

# فجر سه و هفتم

پولتن بسی و هفتمین جشنواره فیلم فجر | شماره چهارم، جمعه ۲۸ دی ۱۳۹۷



۶

## بوطیقای ضد کمدی

چرا فیلم های کمدی اغلب نتوانسته اند از پرگزیدگان جشنواره باشند؟

# عزت مندانه

با گفتاری از:

**علی نصیریان**  
**مجید انتظامی**  
**ابوالحسن داودی**  
**هوشنگ گلیمکانی**  
 ...و

۲۴

با تهیه کنندگان به بهانه تصمیمی تازه  
**بختی که بیدار شد**

۱۲

با همایون ارشادی به بهانه ۲ رویداد

**کری خوانی دربی**  
**در جشنواره فجر**

۱۰

چرخه فیلم های اعتیاد

**یا ترک کن یا بمیر**

## داشته‌های سینما از گذشته تا امروز

چهل سال قبل تا این اندازه آدم کاربلد در سینما نبود، اما امروزه خیلی‌ها وارد این کار شدند و به دلایل گوناگون روی دست سینما ماندند و در عین کار کردن چیزی به سینمای ما اضافه نکردند. از طرف دیگر جوانان و چهره‌های کاربلد وارد سینما شدند و توانستند اعتباری جهانی برای سینمای ایران فراهم کنند. اشکال کار در این است که امکانات اعم از وسایل و تجهیزات، محدود است و گاهی ۹۰ فیلم ساخته می‌شود در حالی که این امکان وجود دارد که از این تعداد اصلاً نیمی‌شان ساخته نشود. این‌ها همه رشد عجیبی می‌گیرند و بی‌جهت قیمت تجهیزات و وسایل رشد عجیبی پیدا می‌کند و آجاره‌ها سنگین می‌شود. گاهی هزینه فیلمی می‌تواند نرمال باشد، اما به دلیل بی‌نظمی در تولید با



# فنی‌تر شده ایم

سه برابر هزینه معمول ساخته می‌شود. ما نیاز به حضور فیلمسازان جوان و تازه‌کار داریم اما این کثر باید با تولید هم تناسب داشته باشد.

## عاشق این فیلم‌ها هستم

«ناخدا خورشید» ناصر تقوایی، «هامون» داریوش مهرجویی، «مادر» علی حاتمی، «دندان مار» مسعود کیمیایی، «باشو غریبه کوچک» بهرام بیضایی، «دونده» امیر نادری، «دست‌فروش» محسن مخملباف، «بودن یا نبودن» کیانوش عیاری، «ترگس» رخشان بنی‌اعتماد، «شب یلدا» کیومرث پوراحمد، «بازار» مجید مجیدی، «ارتقا» پست» ابراهیم حاتمی کیا، «لیلی با من است» کمال تبریزی، «درباره‌الی» اصغر فرهادی، «نفس عمیق» پرویز شهبازی، «دایره» جعفر پناهی، «خانه دوست کجاست» عباس کیارستمی، «متولدماه‌مهر» احمدرضا درویش، «خیلی دور، خیلی نزدیک» رضا میرکریمی، «نیاز» علیرضا داوودنژاد و «لید و یک روز» سعید روستایی. این فیلم‌ها برای من جذاب بوده و افتخار سینمای ایران هستند.

سیروس آوند  
کارگردان

در شاخه‌های فنی مانند فیلمبرداری، کارهای مربوط به لابراتوار و جلوه‌های ویژه بصری خیلی پیشرفت کردیم. به لحاظ فنی فیلم‌های دهه ۹۰ قابل مقایسه با دهه ۶۰ نیست، اما به لحاظ محتوایی فراز و فرود زیاد داشتیم. طی این سال‌ها نوعی ممیزی هم در خود فیلمسازان رشد کرده‌است، یعنی حتی اگر کسی به کار ما کاری نداشته باشد نیز خودمان را سانسور می‌کنیم. این اتفاقات موجب خنثی شدن فیلم‌ها و همخوان نبودن آن‌ها با واقعیت جاری زندگی می‌شود. به همین دلیل در این چهل سال پیشرفت ما از لحاظ موضوعی به اندازه پیشرفت فنی نبوده‌است.

## محاسن یا معایب ۳۷ دوره جشنواره فیلم فجر

محاسن جشنواره فیلم فجر این است که فیلمسازان به فجر اهمیت می‌دهند و حضور در این جشنواره برای آن‌ها مهم است و تأثیر جشنواره فجر را در سینما می‌بینند. نقص جشنواره این است که همچنان نظم یا قانون مدونی که هر سال عین همان اجرا شود، وجود ندارد؛ یعنی گاهی تعداد فیلم‌ها کم و زیاد می‌شود. می‌شودیم که فیلم‌ها باید تا فلان تاریخ برسند، اما بعضی فیلم‌ها زمان دارند و روزهای بعد می‌رسند و به هر حال نوعی بی‌نظمی حاکم می‌شود.



# کلوزآپ

## بزرگداشت پنج سینماگر در جشنواره سی و هفتم

مراسم بزرگداشت پنج چهره سرشناس سینما در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر برگزار می‌شود. ابراهیم حقیقی طراح و مدیر هنری، عزیزالله حمیدنژاد کارگردان و فیلمنامه‌نویس، خسرو خسروشاهی صداپیشه، عباس گنجوی تدوینگر و فاطمه معتمدآریا بازیگر، پنج سینماگری هستند که در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر برایشان مراسم بزرگداشت برگزار خواهد شد.

سرپرست گویندگان بیش از ۸۶ فیلم سینمایی بوده است.

### عباس گنجوی

عباس گنجوی تدوینگر با سابقه سینما و متولد ۱۳۲۰، در سومین دوره جشنواره فیلم فجر برای تدوین فیلم‌های «تاتوره» و «گل‌های دودی» موفق به کسب جایزه شد. او همچنین برای فیلم‌های «جایی برای زندگی»، «سرزمین خورشید»، «روسی آبی»، «کیمیا»، «جنگ فتنکش‌ها»، «دو فیلم با یک بیت» و «جستجوگر» نامزد دریافت سیمرغ بلورین شده بود.

### فاطمه معتمدآریا

فاطمه معتمدآریا بازیگر سرشناس سینما و متولد ۱۳۴۰ است. او برای فیلم‌های «اینجا بدون من»، «گیلان»، «زندگی»، «ریحانه» و «روسی آبی» نامزد دریافت سیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر شده بود. این بازیگر شناخته‌شده سینمای ایران برای بازی در فیلم‌های «همسر» و «یک بار برای همیشه» توانست سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن را به‌دست آورد. همچنین برای فیلم‌های «مسافران» و «برهوت» موفق شد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن را از آن خود کند.

### ابراهیم حقیقی

ابراهیم حقیقی متولد ۱۳۲۸ طراح نشانه سیمرغ جشنواره فیلم فجر است. او هفت‌دوره یعنی در دوره‌های دوم، سوم، نهم، دهم، پانزدهم، بیست و چهارم و سیام طراح پوستر جشنواره فیلم فجر بوده است. این هنرمند که سابقه طراحی بیش از ۷۰ پوستر فیلم‌های سینمایی را در کارنامه دارد، برای طراحی پوستر فیلم «تیک‌تاک» از چهاردهمین دوره جشنواره فیلم فجر دیپلم افتخار دریافت کرد. همچنین لوح زرین و دیپلم افتخار ساخت آنونس را برای فیلم «جاده‌های سرد» در ششمین دوره جشنواره به‌دست آورد.

### عزیزا... حمیدنژاد

عزیزا... حمیدنژاد کارگردان ۵۹ ساله سینما، سیمرغ بلورین جایزه ویژه هیات داوران فیلم‌های اول و دوم را از دهمین دوره جشنواره برای ساخت «هور در آتش» دریافت کرد. او عضو هیات داوران بخش فیلم‌های اول در دوره‌های بیست و چهارم و سی و دوم و عضو هیات داوران مسابقه سینمای ایران در دوره یازدهم و همچنین از اعضای هیات انتخاب جشنواره در دوره سیام بوده است.

### خسرو خسروشاهی

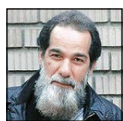
خسرو خسروشاهی، دوبلور و مدیر دوبلاژ سرشناس ایرانی تاکنون

## انتظامی در ستاد برگزاری جشنواره فیلم فجر

سرپرست سازمان سینمایی از ستاد برگزاری سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر بازدید کرد. به گزارش ستاد خبری سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، حسین انتظامی، سرپرست سازمان سینمایی پیش از ظهر روز چهارشنبه بیست و ششم دی ماه برای بازدید از ستاد برگزاری جشنواره در محل این ستاد حضور یافت. او طی این بازدید در نشست‌هایی که با حضور هیأت انتخاب فیلم‌های بخش سودای سیمرغ و مستند و همچنین مدیران برگزارکننده جشنواره برگزار می‌شد، حضور یافت تا در جریان آخرین روند برگزاری جشنواره قرار گیرد. ابراهیم داروغه زاده دبیر جشنواره، انتظامی را در این بازدید، همراهی می‌کرد.



## معرفی داوران بخش نگاه نو



پنج سینماگر، آثار حاضر در بخش نگاه نو، فیلم‌های کوتاه و فیلم‌های مستند سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر را داوری می‌کنند. محمد آفریده، حبیب احمدزاده، آیدآ پناهنده، سعید سهیلی و مازیار میری ۱۰ فیلم بخش نگاه نو، پنج فیلم مستند و چهار فیلم کوتاه این دوره را برای انتخاب بهترین فیلم داوری خواهند کرد.

## اعلام زمان پیش فروش بلیت‌های فیلم فجر

پیش فروش بلیت‌های سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر از ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۳۰ دی ماه از طریق سایت [Fajr.cinematicticket.org](http://Fajr.cinematicticket.org) آغاز و تا ساعت ۲۲ روز دوشنبه اول بهمن ماه ادامه خواهد داشت. عزت‌ا... علیزاده معاون اجرایی سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر با اعلام این خبر گفت: نمایندگان سازمان‌ها و نهادهای متقاضی نیز در روزهای سوم و چهارم بهمن ماه با ارائه نامه کتبی از نهادهای و سازمان‌های متبوع می‌توانند به صورت حضوری، به محل پیش فروش بلیت‌ها واقع در پردیس سینمای ملت مراجعه کنند. همچنین هر فرد با کدملی خود می‌تواند ۲ انتخاب و در مجموع حداکثر ۴ سری بلیت تهیه کند. افرادی که از طریق سایت، بلیت خریداری کرده‌اند نیز می‌توانند در روزهای پنجم و ششم بهمن ماه با حضور در پردیس سینمایی ملت، بلیت‌های خود را دریافت کنند.





## «ملت» زیر ذره بین اهالی رسانه

پردیس سینمایی ملت در سی و هشتمین دوره از جشنواره فیلم فجر میزبان اهالی رسانه و منتقدان سینمایی بود. به همین بهانه، کیفیت برگزاری جشنواره در این پردیس سینمایی طی یک نظرسنجی مورد ارزیابی قرار گرفت. به گزارش ستاد خبری جشنواره فیلم فجر، این برای اولین بار بود که کیفیت برگزاری جشنواره در سینمای اهالی رسانه در یک نظرسنجی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می گرفت. برای افکارسنجی در این زمینه پرسشنامه‌ای با ۲۳ سوال طراحی شد. این پرسشنامه برای تمامی کسانی که سال قبل کارت سینمای اهالی رسانه را داشتند ارسال شد و از میان آنان ۴۰۲ نفر در این افکارسنجی شرکت کردند. آنان با پاسخ‌های شان رضایت‌مندی یا نارضایتی خود از برگزاری جشنواره در پردیس سینمایی ملت را بیان کردند. جزئیات این نظرسنجی و آرای افراد درباره پردیس ملت و کیفیت برگزاری جشنواره در خروجی سایت جشنواره قرار گرفته است.

## صدای مهربانی سینما

در حوالی برگزاری جشنواره فیلم فجر، بار دیگر رسانه‌های متولد شد تا به واسطه آن بتوانیم برای دقایقی چشم‌ها را ببندیم و تنها صدای جشنواره را بشنویم.

شاید در ابتدا برای خیلی‌ها غیر قابل باور بود که بتوان بدون خیره شدن بر پرده نقره‌ای و حضور در سالن از حال و هوای جشنواره و حاشیه‌هایش مطلع شد، اما تجربه خاطره‌انگیز برنامه‌های رادیویی و احترام به مخاطبانی که سال‌هاست از عمق جان به صدا گوش می‌دهند، بهانه‌ای شد تا پادکست‌های شنیداری صدای فجر ساخته شود و در اختیار علاقمندان قرار گیرد تا همگان جادوی سینما را بیش از پیش باور کنند. حالا در سومین سال این تجربه لذت‌بخش



هر هفته صدای فجر مهمان آن‌هایی‌ست که سال‌هاست مشتاقانه سینمای ایران را رصد می‌کنند و دل خوش دارند برای دیدن فیلم‌های مهم‌ترین فستیوال سینمایی ایران. صدای فجر به تهیه‌کنندگی بشیر جعفری‌نیا و با اجرای غزل نهنای هر پنج‌شنبه تا پیش از آغاز جشنواره و پس از آن به‌صورت روزانه روی سایت و کانال رسمی جشنواره قابل شنیدن است.

## انتشار جدول نمایش فیلم‌های جشنواره سی و هفتم

در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، قبل از شروع پیش‌فروش بلیت‌های این رویداد، جدول نمایش فیلم‌ها روی سایت جشنواره قرار گرفت.

این جدول شامل مجموعه سینماهای آزادی، آستارا، استقلال، ایران‌مال، تماشا، جوان، راگا، زندگی، شکوفه، فرهنگ، کورش، کیان، ماندانا و مگامال است. فیلم‌های این دوره جشنواره در سه گروه تقسیم‌بندی شده و تمامی فیلم‌های سودای سیم‌رغ و نگاه نو به‌طور مساوی در همه سینماها نمایش داده خواهد شد. آثار مستند و کوتاه در پردیس آزادی و فرهنگ و فیلم‌های پویانمایی در سایر سالن‌ها روی پرده خواهد رفت. پیش از این جدول سینمای رسانه که شامل همه آثار حاضر در جشنواره می‌شود نیز منتشر شده بود.



# بو طبقای ضد کمدی

چرا فیلم‌های کمدی اغلب نتوانسته‌اند از برگزیدگان جشنواره باشند؟

مرتضی کاردر

سخن گفتن از سینمای کمدی در جشنواره فجر بدون سخن گفتن از سینمای انقلاب و ماهیت جشنواره فجر و نقش و جایگاهی که کمدی باید در چنین سینمایی برای خود تعریف کند، راه به جایی نمی‌برد. صحبت درباره سینمای کمدی پیش از آنکه به رویکردها و کارکردها و سلیقه‌ها برگردد، بحثی ماهوی و حتی فلسفی است.

سینمای انقلاب قرار بود روایتگر ارزش‌های انقلاب باشد و ابزاری برای رساندن پیام انقلاب، در هنر وظیفه‌گرا و متعهد سال‌های پس از انقلاب، سینمای کمدی چه جایگاهی می‌توانست داشته باشد؟ چه وظیفه‌ای را می‌توانست ایفا کند؟ کدام پیام را می‌توانست انتقال دهد؟ آیا هنر می‌تواند صرفاً ابزاری برای سرگرمی باشد؟ اگر چنین باشد تفاوت سینمای انقلاب با فیلم‌فارسی و سینمای پیش از انقلاب چیست؟ آیا به سینما رفتن برای خندیدن، چیزی جز غفلت است؟ آیا فیلم کمدی...؟

چنین پرسش‌هایی در آن سال‌ها بالاتکلیف و بی‌پاسخ بودند و مثل سایه‌ای سیاه بر سر سینمای کمدی سنگینی می‌کردند. حالا اگر همه این پرسش‌ها پاسخ می‌یافت و در نهایت پرسش‌گران و پاسخ‌دهندگان به نتیجه می‌رسیدند که کمدی لازم و ضروری است، پرسش‌های تازه‌ای طرح می‌شد. چرا جشنواره فجر که قرار است ویتترین سینمای انقلاب باشد باید فیلمی کمدی را جزء برگزیده‌های خود بداند؟ آن‌هم وقتی فیلم‌هایی هستند که از ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌گویند و فیلمسازان جوانی هستند که می‌توانند امید آینده فیلمسازی انقلاب باشند و سیمرخ جشنواره می‌تواند بر اعتبار آنان بیفزاید و امید و انگیزه‌شان را برای ادامه راه بیشتر کند.





اگر فیلم‌هایی نیازمند جایزه جشنواره بودند که شاید بخشی از هزینه‌های فیلم را جبران و اعتباری برای فیلم کسب کنند، فیلم‌های کمدی از این لحاظ خیالشان جمع بود که هر چه باشند می‌توانند آتقدر بفروشند که هزینه ساختشان را تأمین کنند.



فراروان رسانه‌های ارزشی مواجه شدند و بهانه‌ای شدند برای مخالفت با سیاست‌های فرهنگی دولت وقت و نهادهای سرمایه‌گذار مثل حوزه هنری. بعضی از فیلم‌ها مثل «مکس» نیز چند سال در محاق توقیف ماندند تا مجوز نمایش عمومی پیدا کنند.

زمانی که الزام و اولویت حضور در جشنواره برای نمایش فیلم‌ها برداشته شد کمدی‌ها اولین فیلم‌هایی بودند که عطای حضور در جشنواره را به لقایش بخشیدند و بیشترشان بدون حرف پیش و بحث اضافه مستقیم به سراغ گیشه رفتند، چراکه می‌دانستند همچنان نمی‌توانند جزء برگزیده‌های جشنواره باشند و دریافته بودند هرچقدر کار خودشان را درست انجام دهند، باز هم از اقبال چندانی نزد داوران و سیاستگذاران جشنواره برخوردار نخواهند بود.

اگر فیلم‌هایی نیازمند جایزه جشنواره بودند که شاید بخشی از هزینه‌های فیلم را جبران و اعتباری برای فیلم کسب کنند، فیلم‌های کمدی از این لحاظ خیالشان جمع بود که هر چه باشند می‌توانند آن قدر بفروشند که هزینه ساختشان را تأمین کنند.

حالا سال‌هاست که بسیاری از فیلم‌های کمدی ترجیح می‌دهند فارغ از دوری‌های جشنواره اقبال خود را در گیشه محک بزنند و اغلب نیز در گیشه می‌توانند موفق باشند. بعضی از آن‌ها هم مثل «هزارپا» آن قدر خوش اقبالند که می‌توانند رکورد فروش‌ها را جابه‌جا کنند.

نتیجه اینکه در سی‌وشش دوره جشنواره فجر فقط دو فیلم کمدی توانستند سیمرغ بلورین بهترین فیلم را از آن خود کنند؛ «پارتمان شماره ۱۳» از زنده‌یاد یدالله صمدی و «مهمان مامان» از داریوش مهرجویی؛ کارگردانی که «اجاره‌نشین»‌هایش با وجود همه شایستگی‌هایی که داشت و جایزه‌هایی که کسب کرد از سیمرغ بلورین بهترین فیلم بی‌نصیب ماند.

فیلم‌های کمدی، در سطره چنین پرسش‌هایی، مجالی برای عرض اندام نداشتند. وقتی در بیانیه جشنواره می‌آمد که امسال نتوانستیم فیلمی را به عنوان الگو انتخاب کنیم پس سیمرغ به هیچ فیلمی تعلق نمی‌گیرد. چطور می‌شد توقع داشت که فیلمی کمدی به عنوان بهترین فیلم جشنواره فجر یعنی به عنوان الگویی برای سینمای انقلاب معرفی شود؟ چنین نگاهی خود را در طول سال‌ها به عنوان یکی از ویژگی‌های بوطیقای جشنواره فجر ثبت کرد؛ جشنواره‌ای جدی که فیلم‌های کمدی در آن اولویتی ندارد. نگاهی که ردپایش را هنوز هم می‌توان در انتخاب‌های جشنواره پیدا کرد. پیرو چنین نگاهی ست که فیلم‌هایی مثل «روز باشکوه»، «ای ایران»، «روز فرشته»، «هن زمین را دوست دارم»، و... در دوره‌های گوناگون جشنواره با بی‌توجهی مواجه می‌شوند. در سال‌های میانی دهه هفتاد، به‌ویژه در سال‌های پس از دوم خرداد، در پی بازتر شدن فضای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی فیلم‌های کمدی مجال بیشتری برای ظهور و بروز پیدا می‌کنند. اما پیش از آنکه سینمای کمدی رونق بگیرد کمدی‌ها با چالش همیشگی خط قرمز و ممیزی مواجه می‌شوند.

فیلم‌های کمدی در حالی که همچنان نمی‌توانستند جزء برگزیدگان جشنواره باشند برای مجوز نمایش نیز با مشکل مواجه می‌شدند. تازه وقتی از این سد می‌گذشتند هم بسیار پیش می‌آمد که نمایش عمومی‌شان با حاشیه‌هایی همراه شود. هیچ کدام از این اتفاق‌ها هم نمی‌افتاد فیلم‌های کمدی با تیغ تند انتقاد رسانه‌های ارزشی مواجه می‌شدند.

«مارمولک» نماد فیلم‌های این دوره است. فیلمی که از لحظه ساخت تا پخش خبرهایی درباره عدم نمایش عمومی‌اش مطرح بود و اکران پرحاشیه‌ای را از سر گذراند. «مرد عوضی»، «مومیایی ۳»، «مارمولک»، «نان و عشق و موتور ۱۰۰»، از فیلم‌هایی بودند که مثل مارمولک در دوره نمایش با انتقادهای







### سینما آستارا

**بازگشت قدیمی**  
آستارا سینمای ویژه‌ای بوده و امسال هم در فهرست ویژه دارد. آستارا با بازسازی دوباره برای جشنواره دوستان خوار

### سینما جوان

#### جوان برای همه اقشار

خیلی‌ها برای تفریح در تهران سراغ تقاطع صدر و شریعتی می‌روند. خیال بولینگ و استخر شوی و در جوان فیلم ببینید.

### سینما فرهنگ

#### دفتر دیروزها

سال‌های نخستین جشنواره همواره بهرام‌ری و پروچمال امید در آنجا مشغول کار بودند. فرهنگ امسال نیز یکی از سینماهای مردمی است.

### سینما آزادی

**قسمه‌های آزادی / سینما آزادی** همان شهرقه است با سوخته‌های خاطراتش. خیلی‌ها از صحنه‌های طولی این سینما خاطرات بسیاری دارند و این یعنی آزادی سینمای مهمی است.

### سینما ماندانا

#### قدیمی و نسبتاً تازه واحد

ملفای یکی از سینماهای قدیمی شهر است که چندسالی است رجر گمر می‌هاق را می‌گیرد.

### سینما استقلال

#### امپایر منتقدان

استقلال در سال‌های ۸۲ و ۸۱ سینمای منتقدان بوده و همواره وجه مردمی بودن خویش را حفظ کرده است.

### سینما شکوفه

#### چهار ضلعی شرق پایتخت

سینمایی با نام‌های قدیمی سیلوانا و ملت که در ایام برگزاری جشنواره میزبان علاقه‌مندان فیلم‌های فجر در جنوب شرقی تهران خواهد بود.

### پردیس تماش

#### کیان نوابی‌ها

یک سینما برای یکی از اولین بزرگراه‌های دهه هفتاد تهران، بچه‌های نواب حالا با خیال راحت می‌توانند در کیان با جشنواره کیفور شوند.

### پردیس کیا

#### راگاری

### پردیس راگا

عجب نام جالبی است این راگادر قلب شهری. یک پردیس محلی برای محله ۲۰ تهران که موجب شد بچه‌های ری هم جشنواره را از دست نهند.

های مردمی قرار  
گرفته شده است.

### سینما ایران مال

**خیابان دور خیالی نزدیک:** یک پردیس در غرب تهران که نقش هم مثل سینما سرشار است از هیجان. یک پردیس مدون با سالن‌های مجهز برای آنی که می‌خواهند از غرب تهران و کرج خودشان را به جشنواره سی و هشتم برسانند.

### پردیس زندگی

**زندگی جالب:** یک پردیس در غرب تهران که نقش هم مثل سینما سرشار است از هیجان و لذت. زندگی منتظر عشق سینماست و عشق سینما منتظر زندگی.

### سینما کوروش

**کوروش: نگین مدون / نام سالن‌های این پردیس کافیست تا خیال سرکشند به سمت سالن‌های لاله‌زار. کوروش در چند سالی که به چرخه مردمی‌ها پیوسته هواداران پروپاقرصی داشته است.**

### پردیس مگامال

بلی‌اکتال حکم یک گوهر را دارد  
یک جشنواره به خود می‌گیرد

### نوریم تماشا

یک پردیس مدون در یلغت آباد را بپایید. تماشا اینجا است برای تماشای فیلم  
های جشنواره سینما برای همه و جشنواره برای همه

## عصر جدید جشنواره فیلم فجر سینمای «مردم»

فهرست سینماهای مردمی تهران در جشنواره پیش رو  
اعلام شده است. سینماهایی که گرچه دیگر بلیت‌هایش نه  
در گیشه‌ها که به صورت اینترنتی فروخته می‌شود، اما هنوز  
بازدحام تماشاگران برای روشن ماندن چراغ جشنواره فیلم  
فجر روپا هستند.

سی و هشتم  
طراح: علی شکوری



## چرخه فیلم‌های اعتیاد

## یا ترک کن یا بمیر\*

علیرضا محمودی

عمومی قابل توجهی روبه‌رو شد. اما چرخه فیلم‌های اعتیاد چندان پرشمار نبود. بحران افزایش واردات فیلم در سال ۵۵ و گرانی تولید نسبت به عرضه فیلم خارجی، میزان تولید فیلم در صنعت سینمای ایران را کاهش داد. در نیمه تابستان ۵۷ تولید و اکران فیلم ایرانی به دلیل اوج گرفتن تحولات انقلابی تعطیل شد و چرخه فیلم‌های اعتیاد در تداوم موفقیت فیلم اول این چرخه چندان پرشمار نشد.

با پیروزی انقلاب اسلامی فیلم‌های اعتیاد، زمینه‌های سیاسی قوی‌تری گرفت. اولین فیلم در تداوم این چرخه را سعید مطلبی ساخت. پنجمین سوار سرنوشت (۱۳۵۹) به شکل آشکاری اعتیاد را نتیجه سیاست‌های استعماری می‌دانست. اگر این فیلم در زمان ساخت به نمایش درمی‌آمد، شاید سرنوشت متفاوتی برای چرخه اینگونه آثار رقم می‌خورد. یک‌سال بعد خسرو ملک‌ان که مترصد حضور جدی در سینما بود، با الهام از شخصیت سید در فیلم گوزنها فیلمی ساخت درباره یک معتاد در لاله زار، زخمه (۱۳۶۰) با بازی مهدی فخیم‌زاده در نقش حسن سنتوری در شهرستان‌ها اکران بسیار خوبی داشت. در سال ۱۳۶۴ نمایش فیلم تیغ و ابریشم ساخته مسعود کیمیایی که در آن به موضوع اعتیاد پرداخته شده بود و مانند فیلم مطلبی گرایش‌های تند سیاسی در آن جاری بود با اقبال چندانی روبه‌رو نشد. نتیجه چنین اتفاقی سازندگان این فیلم‌ها را راغب کرد که از سیاسی کردن فیلم‌ها درباره اعتیاد صرف نظر کنند. آنان محور داستان فیلم‌ها را به سمت شخصیت و خانواده فرد معتاد چرخاندند. در سال ۱۳۶۵ سه فیلم که در آن افراد گرفتار در دام اعتیاد قهرمان فیلم بودند به نمایش درآمد. شب شکن (خسرو ملک‌ان)، خانه ابری (اکبر خواجوی) و بی‌پناه (علیرضا دلود نژاد). هر سه فیلم در گیشه شکست سختی خوردند و مردم از تماشای به‌روز به‌نژاد، هوشنگ توکلی و مصطفی طاری در نقش معتاد استقبال چندانی نکردند. شکست این سه فیلم و موفقیت اقتصادی فیلم‌های مولودرام تلخ به‌ویژه فیلم پرفروش بگنار زندگی کتم (شاپور قریب) در همین سال سینمای ایران از صرافت ساخت فیلم‌های مشابه دور کرد.

ژانر فیلم زخمه موفق‌ترین فیلم این چرخه -مولودرام خانواگی ست. بی‌پناه و خانه ابری هم در همین ژانر داستان خود را تعریف می‌کنند. اما پنجمین سوار سرنوشت و تیغ و ابریشم، علاوه بر مولودرام خانواگی

موفقیت بزرگ تجاری فیلم گوزنها (مسعود کیمیایی / ۱۳۵۴) تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت. سنت اکران دوم و سوم فیلم‌های پرتعداد در سینماهای شهرستان‌ها درباره این فیلم هم انجام می‌شد. واقعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ در هنگام نمایش این فیلم، سه سال بعد از اکران اول در تهران و در حالی که سینما مملو از تماشاگر بود، رخ داد. رکورد فروش بالای دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی گوزنها باعث شد که تمایل به ساخت فیلم‌های مبتنی بر زندگی معتادان به مواد مخدر به عنوان داستان اصلی فیلم‌های ایرانی در دفاتر فیلم‌سازی بیشتر شود. نتیجه این تمایل به ساخت فیلم‌هایی چون گل خشخاش (داریوش کوشان / ۱۳۵۵) و پشت و خنجر (ایرج قادری / ۱۳۵۶) متجر شد. فیلم اول به نمایش در نیامد، اما فیلم دوم با اقبال







الگوی روایی این فیلم‌ها شامل سه بخش: نمایش زوال قهرمان، دلیل برای بازگشت به دوران شکوه و نبرد نهایی است.

شماره چهارم، جمعه ۲۸ دی ۱۳۹۷

سروش



اهمیت بازی در نقش معتاد، کلیشه‌هایی است که برای این نقش در سینمای ایران نباشد و هر بازیگری با ایفای نقش معتاد نیازمند چالش با آنان است. در صورت تکرار آن‌ها بازیگر متهم به تداوم مسیر و تقلید خواهد شد و در صورت ارائه اجرای جدیدی از نقش معتاد، باید منتظر پذیرش یا رد توسط مخاطبان سخت‌گیر در این زمینه باشد. مردم به علت برخورد روزمره با این افراد در مقابل ارائه بازی از حافظه‌ای فعال و نکته‌سنج دارند. این چالش باعث شده که حتی در جشنواره فیلم فجر، چند تندیس بازیگری به پیروزان این چالش سخت در بازیگری داده شود.

در بازیگرانی که در این چرخه بعد از فیلم گوزنها در دهه شصت خود را آزمایش کردند مردم از بازی مهدی فخیم‌زاده در این نقش استقبال کردند. او در فیلم زخمه توانست تا حدودی با اتکا بر تجربیات تئاتری خود نقش یک معتاد در تئاترهای لاله‌زار را برای مردم خیلی شیرین و دوست‌داشتنی ارائه دهد. شکست تجاری باقی فیلم‌های این چرخه خبر از ناموفق بودن بازیگران اصلی آن‌ها در ارائه نقش معتاد دارد. از صحنه‌های قراردادی این چرخه می‌توان به صحنه‌های التماس برای مواد توسط قهرمان، راه رفتن افتان و خیزان در خیابان، سیگار کشیدن بی‌دری، تعریف شیرین داستان چگونگی معتاد شدن، برخورد غیرجدی قهرمان با رویدادهای جدی و اظهار ندامت از اعتیاد به همسر و دوست یا مامور اشاره کرد. این صحنه‌ها الگوهای است که به صورت مستقیم از فیلم گوزنها می‌آید.

در برخی از فیلم‌های خارج از چرخه می‌توان داستان‌های فرعی و تلفیقی‌هایی با خط روایی داستان اصلی را مشاهده کرد که نمونه‌هایی مانند فیلم از فرید تا ترور (منصور تهران/ ۱۳۵۹) از چرخه فیلم‌های چریکی و تاراج (ایرج قادری/ ۱۳۶۳) از چرخه فیلم‌های قاچاق مواد مخدري از جمله آن‌هاست. در نوشته بعدی به چرخه این فیلم‌ها خواهیم پرداخت.

• عنوان این مطلب یکی از دیالوگ‌های رایج در این چرخه است که اغلب به عنوان عجز همسران مردان معتاد بیان می‌شود.



با الگوهای تریلر سیاسی، داستان خود را تلفیق کرده‌اند. قهرمان معتاد که مهم‌ترین ویژگی آن خوش‌زبانی است با گذشته‌ای باشکوه در فلاکت و زبونی زندگی خانوادگی و اجتماعی آن بهسر می‌برد و بر اثر دیلار با دوست سابق خود تصمیم می‌گیرد شرایط خود را تغییر دهد. این میراث روایی گوزنها برای همه فیلم‌های این چرخه است. الگوی روایی این فیلم‌ها شامل سه بخش: نمایش زوال قهرمان، دلیل برای بازگشت به دوران شکوه و نبرد نهایی است. زوال قهرمان در این فیلم‌ها بر مبنای الگوی التماس و عجز در برابر قاچاق فروش، فروپاشی خانواده و روابط عاطفی و ضعف بدنی است. سیاست و مسائل اجتماعی، همسر، فرزند و خانواده از دلایل بازگشت قهرمانان معتاد به ترک و بروز رفتارهای خشن در برابر قاچاقچیان و لو دادن آن‌هاست. در پایان نیمی از این فیلم‌ها معتاد با سربلندی می‌میرد و در نیمی دیگر معتاد زندگی تازه‌ای را آغاز می‌کند. در پنجمین سوار سرنوشت و تیغ و ابریشم، سیاست و مسائل اجتماعی زمینه بروز تحول شخصیت معتاد است. اما در فیلم‌های ملکان و خواجوی خانواده و در فیلم داود نژاد، فرزند فرد معتاد او را به سمت تحول سوق می‌دهند.

مهم‌ترین الگوی اجرایی در این فیلم‌ها، همان‌طور که در فیلم گوزنها بود، اجرای نقش معتاد است. در سینمای ایران اجرای نقش معتاد همیشه برای بازیگران مهم بوده است. بسیاری از مردم عیار بازیگری را با چگونگی حضور بازیگران در نقش معتاد محک می‌زنند. علت



با همایون ارشادی به بهانه ۲ رویداد

# کری خوانی دربی در جشنواره فجر

فیلمه پناه آذر

همایون ارشادی بازیگر پر افتخار «طعم گیلاس» که این روزها فیلم «سرویز آب» را روی پرده دارد، معتقد است که تکنولوژی و تعداد عوامل فیلم‌ها از چهل سال گذشته تا به حال خیلی تغییر کرده و تولید در سینمای ایران روبه پیشرفت است. «سینما در چهل سال قبل از خیلی نظرات مانند یک صحنه نوپا بود و کمتر از صدای سر صحنه استفاده می‌شد.» این بخش دیگری از صحبت‌های همایون ارشادی است که به روند تغییر در سینمای ایران در چهل سال گذشته اشاره می‌کند. با او درباره خاطرات و اتفاقات تلخ و شیرینی که برایش در جشنواره فیلم فجر پیش آمده و داستان طرفداری اش از یک تیم فوتبال گپ زدیم تا این حرف‌ها هم خاطره شوند.

## چهل سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد، وضعیت سینمای ایران را بعد از گذر این سالین، چطور ارزیابی می‌کنید؟

هر چه سینما جلوتر می‌رود، پیشرفت نیز همراه آن به پیش می‌آید و در مورد سینمای ایران هم این پیشرفت را از چهل سال پیش دیده‌ایم. قبل از انقلاب تولید سینمای ایران زیاد نبود و اگر اشتباه نکنم، تعداد فیلم‌ها ۲۰ یا ۳۰ فیلم در طول سال بود، اما در حال حاضر تولید سینمای ایران به مراتب بالاتر است. تمرکز و تأکید من بیشتر روی تعداد فیلم‌هاست، نه ارزش‌گذاری بر اساس کیفیت.





سینما از لحاظ نفرات و عوامل یک گروه هنری مانند تهی‌مکننده، کارگردان، فیلمبردار، صدابردار و بازیگران همیشه کمبود داشت، اما امروزه روز به روز به لحاظ تکنیکال و تعداد نفرات در هر رشته با رشد مواجه هستیم.

شماره چهارم، جمعه ۲۸ دی ۱۳۹۷

سروش



### چه خطراتی از جشنواره فجر دارید؟

دو خاطره دارم. اولین خاطره مربوط به بازی پرسپولیس و استقلال می‌شود. در بحبوحه جشنواره، مسابقه فوتبالی بین استقلال و پرسپولیس برگزار می‌شد که آن را در سالن اصلی جشنواره به طور مستقیم نشان دادند. استقلال تا دقایق پایانی دو بر صفر جلو بود و بقیه دوستان بازیگر استقلال برای پرسپولیسی‌ها کری می‌خواندند. دقیق به‌خاطر ندارم که ملیکا یا مهرابه شریفی‌نیا طرفدار سرسخت پرسپولیس بود و چون تیم ما جلو بود، چیزی نمی‌گفت، اما ورق برگشت و استقلال در دقایق پایانی، بازی برده را باخت و چشم‌تان روز به نبیند. این خواهرها هروقت من را در جشنواره می‌دیدند، برایم کری می‌خواندند و این داستان همچنان ادامه دارد.

خاطره دومم مربوط به فیلمی می‌شود که در آن بازی کرده بودم و در جشنواره فجر نمایش داده شد و قرار بود نشست پرسش و پاسخ آن با حضور خبرنگاران برگزار شود. در این جلسه مجری برنامه مخالف اضافه کردن یک صندلی برای یک بازیگر که اسمش در فهرست کسانی که روی سن قرار می‌گیرند، بود و در مقابل کارگردان نیز روی این موضوع تأکید داشت و در جلسه بحث به‌وجود آمد و در آخر وقتی کارگردان قانع نشد، مجری جلسه را تعطیل کرد. من خیلی ناراحت شدم و فکر کردم چرا باید برای یک صندلی اضافه جلسه تعطیل شود و همان جا اعتراض خود را مقابل خبرنگاران حاضر در جلسه اعلام کردم. همان شب مجری محترم برنامه با کمال فروتنی با من تماس گرفت و از من دلجویی کرد.

### سی‌وهفت دوره از جشنواره فجر می‌گذرد،

### چه محاسن و معایبی در جشنواره می‌بینید؟

هر جشنواره‌ای، حتی جشنواره‌های بزرگ بین‌المللی مشکلات خاص خود را دارد و به‌طور طبیعی جشنواره فجر از این مشکلات مبرا نیست. معتقدم بزرگترین مشکل جشنواره فجر نداشتن یک کادر ثابت برای اداره طولانی مدت آن است. اگر جشنواره عوامل ثابتی داشته باشد، می‌توان برای سال‌های آینده آن برنامه‌ریزی دقیقی در راستای بهتر کردن جشنواره و رفع معایب آن ترتیب داد. همان‌طور که می‌دانید بیشتر جشنواره‌های بین‌المللی در یک مکان ثابت برگزار می‌شود و مشکل دیگر ما به نبود یک مکان ثابت به‌عنوان کاخ جشنواره برمی‌گردد که در حقیقت به‌عنوان سمبل و نماد جشنواره شناخته می‌شود.

### فکر می‌کنید سینمای ایران قبل از انقلاب چه

### شاخصه‌هایی داشته و حالا چه ویژگی‌هایی

### دارد که در آن زمان نداشتیم؟

چهل سال پیش سینما از خیلی نظرات یک صنعت نوبا به‌ویژه از لحاظ فنی بود و فکر می‌کنم در آن زمان صدای سر صحنه نبود یا به تازگی شروع شده بود و همه از این تکنولوژی جدید برای آن زمان در ایران استفاده نمی‌کردند؛ یعنی یا وسایل مورد نظر را نداشتند یا هنوز جا نیفتاده و درونی نشده بود. دوربین‌های آن زمان هم سروصدای زیادی داشتند که امکان صدابرداری سر صحنه را به عوامل نمی‌داد. به‌طور کلی وسایل فیلمبرداری با تکنولوژی زمان خود فاصله زیادی داشت. سینما از لحاظ نفرات و عوامل یک گروه هنری مانند تهیه‌کننده، کارگردان، فیلمبردار، صدابردار و بازیگران همیشه کمبود داشت، اما امروزه روز به روز به لحاظ تکنیکال و تعداد نفرات در هر رشته با رشد مواجه هستیم.

### بهترین فیلم‌هایی که در جشنواره فیلم فجر

### دیدهاید، کدام‌ها هستند؟

فیلم‌های زیادی دیدم که از بعضی خوشم آمد و از بعضی دیگر نه، اما این دلیل خوب یا بد بودن فیلم نیست، چون من به عنوان تماشاگر ساده فیلم را نگاه می‌کنم و اگر با سلیقه من یکی باشد، مورد پسندم است و آن را دوست دارم.

# روایت‌های سینمایی یک سیاست مدار

سید مصطفی هاشمی‌طبا

۱.

## از کرخه تا رایسن متمایز از دیگر فیلم‌هاست

اولین فیلمی که در جشنواره دیدم را به‌خاطر ندارم، اما فیلم از کرخه تا رایسن را متمایز از دیگر فیلم‌های سینما می‌دانم. باید بگویم فیلم تونل، فیلم پیامبر(ص) آقای مجید مجیدی و ماجرای نیمروز را هم در سال‌های اخیر دوست داشته‌ام. من نمی‌توانم همه فیلم‌ها را ببینم، اما نقدهای برخی فیلم‌ها را در روزنامه‌ها می‌خوانم.

۳.

## ابتذال جای خودش را به ارزش‌های انسانی‌داد

باید دقت کنیم که بعد از انقلاب، مسوولان وزارت ارشاد چه ضوابطی را تدوین کردند؟ اوایل انقلاب تهیه‌کننده‌ها و تولیدکننده‌ها تفاوتی نکردند، اما بعد از مدتی این ضوابط موجب شد تغییرات کیفی در داستان‌ها داده شود و به تدریج تهیه‌کننده‌های دیگری هم آمدند و به نوعی ابتذالی که در سینمای پیش از انقلاب بود را به ارزش انسانی بدل کردند. البته در سال‌های اخیر هم با کمدهای مواجه هستیم که به ابتذال طعنه می‌زنند.

۴.

## روند فیلمسازی ما رو به جلو است

روند فیلمسازی سینمای ایران روندی قابل توجه و رو به جلو است. کاش همه اهالی سینما و مسوولان سینمایی دقت کنند و در نظر بگیرند که فیلم روی پرده، نشان‌دهنده فرهنگ و هنر کشور ماست، همین مهم باعث می‌شود که بیشتر مراقب باشیم و محصولات بهتری تولید کنیم.



۲.

## جشنواره در زمان جنگ نتوانست حال مردم را خوب کند

باید بگویم که جشنواره فجر مخاطبان خاص خودش را دارد و با همه اینکه اولین دوره جشنواره در سال‌های جنگ آغاز به کار کرد، تنها گروه خاصی را مخاطب خود می‌دید که از فیلم‌های جشنواره استقبال می‌کردند. دیدن فیلم در تلویزیون با سینما هم متفاوت است و در حقیقت فیلم‌دیدن یعنی به سینما رفتن و برای این مخاطب، جشنواره اتفاق خوبی بود. اما با اینکه مردم به سینما علاقه دارند نمی‌توانم بگویم که جشنواره در آن سال‌ها حال مردم را خوب کرد.

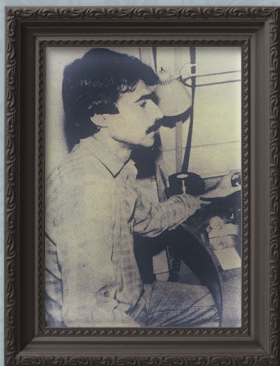






عجب مخفی‌خانه تاریخی در برنجی هسته این عکس‌های زرد شده، این خاطرات کهنه روزهای  
دمه! نشان‌هایی از دیروز که امروز هم تازه‌اند و تازه نیز فزاینده‌اند.  
این صفر باطله‌ای است برای عکس‌ها و حرف‌هایی که به دل و ذهن قلاب شده است. نشان‌هایی  
که هسته نام‌ها هستند...

درباره برخی عکس‌ها سخت تواریج نوشت و درباره صاحبان‌شان سخت‌تر، و این قاب شاید روشن‌ترین کواکب  
بر ادعای ما باشد. انتظامی، مشایخی، رشیدی؛ هر یک نام‌هایی بر تارک سینما و تئاتر ایران کس می‌زد و یوم هستند که  
به شک خط و جمله و واژه به این راحتی‌ها کفاف نوشتن از ایشان را نمی‌دهد. پس همان بهتر که به ساده‌ترین‌ها  
برای گفتن از این قاب کفایت کنیم: بهترین‌های سینما و صحنه ایران در «خانه عکلیوت».



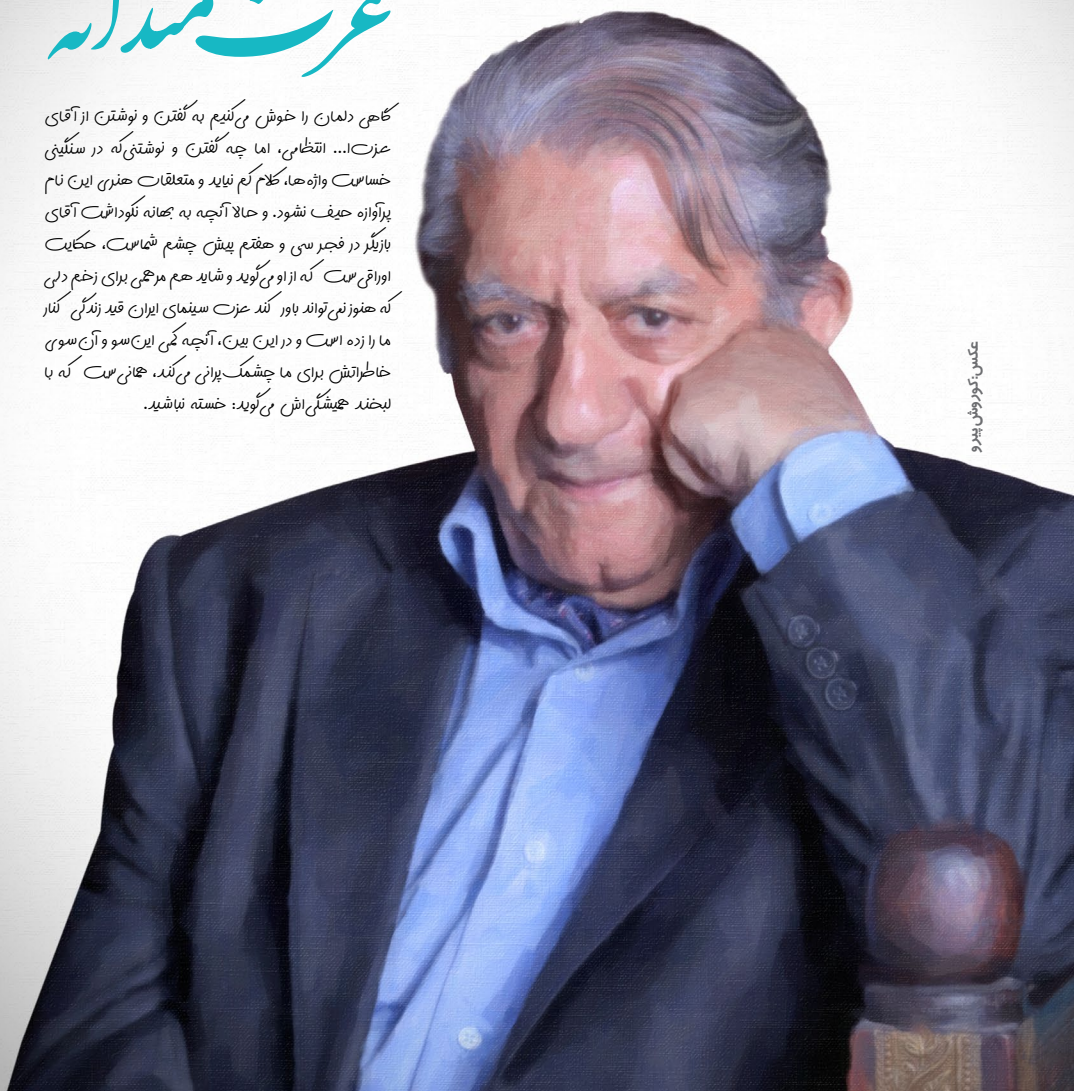
برای شما که ناخدا‌ی سینما هستید همین کافی بود  
تا معجزه رخ دهد. آقای تقوایی شما سینما را به ما  
آموختید با وسواس، صداقت و سخت‌کوشی.  
شما مثلاً شرح جنوب مبارزان هستید و بخشنده،  
مثلاً دریا آرام هستید و پر از اطمینان. همین میز  
هوویلا کافی بود تا یک معجزه دیگر از شما رخ نماید.  
ناصر تقوایی ناخدا‌ی سینمای ما است.

آقای یار، شما حرمتدار سی‌پاره و تیانه بودید. اصیل بودید و از دره  
دلبران، از مژه مردمانی که حرمت نان و وطن را ننگ می‌داشتند  
و سینه ستر می‌کردند، پیش‌گوله نامزدان. باید روزی هزار شما شیرسنگی را دید  
و دریافت که زندگی همین یادمان‌خونی‌ها و غیرخوای‌هاست. ملر  
می‌شود نامدار ماند بدون دفاع از حق و دریاها ماند بدون جنگیدن تا  
نفس آخر برای حقیقت؟ شما آقای یار هستید، علی‌یاران...

# عزت مندانه

گاهی دلمان را خوش می‌کنیم به گفتن و نوشتن از آقای عزت... انتظامی، اما چه گفتن و نوشتن که در سنگینی خساسات وازه‌ها، کلام کم نیاید و متعلقات هنری این نام پرآوازه حیف نشود. و حالا آنچه به بهانه نلوداش آقای بازگیر در فجر سی و هفتم پیش چشم شماس، حکایت اوراق سی که از او می‌گوید و شاید هم مرهمی برای زخم دلی که هنوز نمی‌تواند باور کند عزت سینمای ایران قید زندگی کنار ما را زده است و در این بین، آنچه کمی این سو و آن سوس خاطراتش برای ما چشمک پرانی می‌کند، همانی است که با لبخند همیشه‌اش می‌گوید: خسته نباشید.

عکس: تگوروش پیدرو







شده که محصول نهایی، فیلم آبرومندی نخواهد شد. انتظامی را با انبوه نقش‌ها و فیلم‌های ماندگارش به یاد می‌آوریم. با سرزندگی و حضور با تمام وجودش مقابل دوربین و لحن دوست‌داشتنی و لهجه دلنشین تهرونی‌اش.

انتظامی بی‌گمان جزو هنرمندان خوش‌بخت و خوش‌اقبال ایران بود. هنرمندی که با احترام زیست، درست انتخاب کرد و آنچه را نخواست و نپسندید قبول نکرد و توان و قدرت نه گفتن داشت. به‌ندرت از بازی در فیلمی ششمان شد و حسرت‌هایش بسیار کمتر از دستاوردهایش بود. در زمان حیات، خانه‌اش موزه شد و این سال‌های آخر که بیماری خانه‌نشینی‌اش کرده بود، هوشمندانه، کمتر در محافل حاضر شد و در نهایت در اوج عزت و احترام خرجه تهی کرد. گفتن اینکه «جای خالی‌اش هرگز پر نمی‌شود» در مورد انتظامی، عین واقعیت است و هیچ نشانی از اغراق و تعارف ندارد. با هر متر و معیاری آقای بازیگر، هنرمندی بی‌بدیل و بدون جایگزین است. بخشی قابل توجه از اعتبار سینمای ایران از کارنامه‌ای می‌آید که آبروی عزت است.

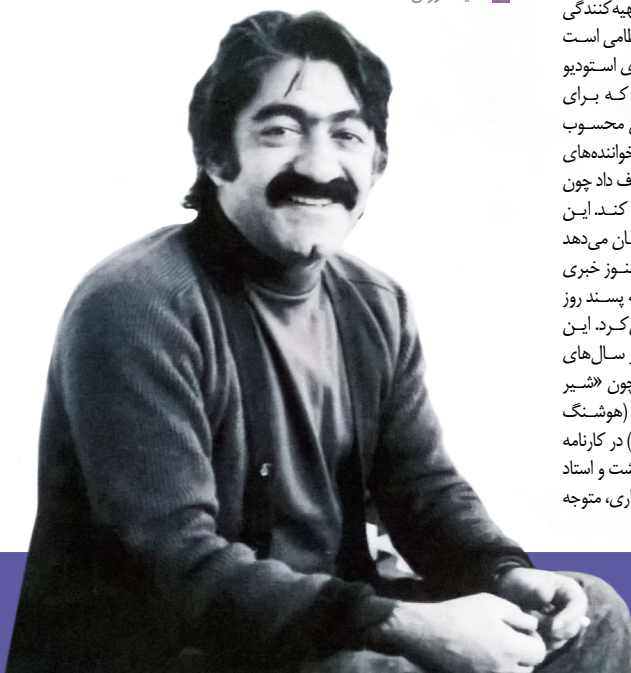
از همان سال‌های دور که هنوز خبری از لقب «آقای بازیگر» نبود و دوستان و رفقا او را «عزت» یا «سرهنگ» می‌نامیدند، حضورش شمع هر محفلی بود که در آن حاضر می‌شد. این محفل می‌توانست اولین جلسات برای برپایی موزه سینما با دوستانش جمال امید، بهزاد رحیمیان و عزیز ساعتی باشد یا بازی در فیلمی سینمایی که صرف حضورش هر علاقه‌مندی را به تماشا ترغیب می‌کرد. اعتباری که عزت‌الله انتظامی با عمری حراست از آبرویش به‌دست آورده بود و آن حیثیت و آبرو آسان به‌دست نیامده بود، و این‌ها تنها بخشی از اعتبار بی‌مثال انتظامی و حاصل کارنامه پر بارش شمرده می‌شد تا در این بین سهم ویژه‌ای هم برای «ته» گفتن به پیشنهادهایی که حاضر به پذیرششان نبود، کنار بگذارد.

با احترام به تمام هم‌نسلان گران‌قدر انتظامی، همه اساتید و چهره‌هایی که فخر هنر بازیگری در سینمای ایران هستند، باید از چهره منحصربه‌فردی گفت که در طول دورانی طولانی (بیش از نیم‌قرن) مقابل هر وسوسه‌ای جز کیفیت نقش و کلیت اثر ایستاد تا این احترام و این کارنامه، نتیجه ایستادگی‌اش باشد.

حساسیتی که سبب شد فاصله میان اولین حضورش مقابل دوربین در «وارنیه بهار» (پرویز خطیبی ۱۳۲۸) با تجربه سینمایی بعدی‌اش «گلو» (داریوش مهرجویی ۱۳۴۸) ۲۰ سال باشد. در این دو دهه، انتظامی به چهره تابناک تئاتر ایران تبدیل شد و در دهه ۴۰ قرارداد بازی در فیلمی به تهیه‌کنندگی اسماعیل کوشان را امضا کرد. این روایت خود انتظامی است که با دکتر کوشان برای بازی در یکی از فیلم‌های استودیو پارس فیلم قراردادی ۴ هزار تومانی بست (رقمی که برای بازیگری که کارمند اداره تئاتر بود مبلغ قابل توجهی محسوب می‌شد). اما به محض اطلاع از حضور یکی از خواننده‌های مشهور کاباره‌های تهران در فیلم، از بازی انصراف داد چون نمی‌خواست با چنین شروعی آینده‌اش را خراب کند. این داستان به حدود ۶۰ سال پیش بازمی‌گردد و نشان می‌دهد عزت‌الله انتظامی از سال‌های دور و روزگاری که هنوز خبری از سینمای متفاوت و موج نو نبود، گرایش به آنچه پسند روز نامیده می‌شد را نداشت و از خودش مراقبت می‌کرد. این مراقبت از خوشتن مهم‌ترین دستاورد انتظامی در سال‌های طولانی فعالیت هنری‌اش بود. حضور فیلم‌هایی چون «شیر خفته» (محمود کوشان ۱۳۵۵)، «قیامت عشق» (هوشنگ حسامی ۱۳۵۲) و «بازیچه» (تورج منصوری ۱۳۷۰) در کارنامه انتظامی را باید به پای اشتباه‌های محاسباتی او گذاشت و استاد اغلب هم خیلی زود و در همان روزهای اول فیلمبرداری، متوجه

## آبروی عزت

سعید مروتی



علی نصیریان از همکاری و همسایگی با انتظامی می گوید

## دیگر دلتنگش نمی شوم

سینمای پس از انقلاب با فیلم «گاو» داریوش مهرجویی و هنرنمایی علی نصیریان و زنده یاد عزت... انتظامی جان گرفت. این فیلم خطی شد بر سر مشق فیلم‌های خوبی که پس از آن ساخته شد. انتظامی و نصیریان سال‌ها در تئاتر هم‌نفس با یکدیگر بازی کردند و همسایه بودند. این تجربه همکاری در فیلم‌هایی مانند «کمال الملک»، «دایره مینا»، «کمیته مجازات»، «دیوانه‌ای از قفس پرید» و سریال ماندگار «هزارستان» نمود پیدا کرد. علی نصیریان استمرار در تمرین، استعداد ذاتی و تلاش‌گری در فهم ابعاد نقش و تفکر را از جمله ویژگی‌های کاری بارز انتظامی می‌خواند. او در بخش دیگری از صحبت‌های خود به این اشاره می‌کند که هیچ‌وقت در تمرین‌های تئاتر و سینما مداد، کاغذ و یادداشت از دست انتظامی جدا نمی‌شد و دائم هر چیزی که دیگران می‌گفتند یا خودش پیدا می‌کرد را می‌نوشت. همکاری از دیرباز، دوستی دیرینه، و خاطراتی از انتظامی که برای او گریز ناپیستند، پنهان گفت و گوی ما با علی نصیریان است.

نسرین بختیاری



من به خوب یا بد آن کاری ندارم، اما احساس می‌کنم روبه پیشرفتیم. مسأله ارتباط با دنیا از طریق اینترنت و اطلاع از امور نمایشی چه فیلم، چه سریال و تئاتر، متن‌ها و نمایش‌نامه‌نویسی و حتی کتاب در دنیا بیشتر از گذشته شده است. در سال ۱۳۳۱ که هنرجویی در کلاس تئاتر بودم، در تمام ایران کتاب دیگری جز کتاب «هنر تئاتر» عبدالحسین نوشین نبود، اما امروزه صدها کتاب تکنیکی و متن‌های نمایشی می‌پسید. در آن زمان متن‌های نمایشی وجود داشت، اما کم بود. در حال حاضر هر متن نمایشی که بخواهید، در اختیار دارید و ترجمه آن به راحتی و سادگی انجام می‌شود.

**تعدادی از جوانان ما بازیگرانی هستند که به تازگی کار خود را شروع کرده‌اند و استعداد زیادی دارند، فکر می‌کنید کدام ویژگی از آقای انتظامی می‌تواند به ادامه مسیر و کار آنان کمک کند؟**

اصولا تجربه نسل‌های گذشته از لحاظ نوع نگاه‌شان به کار و اقتضائات زمانه با اوضاع و احوال جوانان امروز، تربیت آن دوره و این دوره، فضای زندگی اجتماعی آن دوره با این دوره و امکانات اطلاعاتی آن دوره با این دوره به کلی متفاوت است.



عین آقای انتظامی نباشند. در حال حاضر استعدادهای زیادی پیداشده است و جوانان با استعداد زیادی را در زمینه کارگردانی، نویسندگی و بازیگری می‌بینم.

## خاطره خاصی از همکاری با آقای انتظامی در دل دارید؟

خاطره زیاد دارم، اما یکی از مسائلی که باعث می‌شود احساس کنم هیچ‌وقت آقای انتظامی از میان ما نرفته است، شوخ‌طبعی، حسن زندگی و زنده بودن او بود که به ما هم روحیه و نیرو می‌داد. من هیچ‌وقت شوخ‌طبعی‌های او را فراموش نمی‌کنم، اشاره به تکتک خاطره‌هایی که با ایشان دارم، زمان‌بر است، چون مدت زیادی باهم همکاری بودیم. بعد از انقلاب به دلیل اینکه برنامه کار تئاتر ما به‌هم خورد و هرکدام به‌دنبال فیلم و سریال رفتیم، همکاری ما قطع شد. قبل از آن، حدود ۱۵ سال باهم در تئاتر زندگی کردیم و هر روز کنار هم بودیم و حتی خانه‌های ما مقابل یکدیگر بود و صبح، بعدازظهر، وقت و بی‌وقت یکدیگر را می‌دیدیم. برای من آقای انتظامی با شوخ‌طبعی که داشت و اینکه زندگی را بسیار ساده و راحت می‌دید و تمام ذهن و فکرش هنر و کارش بود، زنده است.

## با دلتنگی آقای انتظامی چه می‌کنید؟

دیگر دلتنگ نمی‌شوم، چون وقتی یادهای خوش او را مرور می‌کنم، می‌بینم او چقدر موثر بوده و چه خدمات‌ها و کارهایی انجام داده است. حالا به این‌ها رفاقت‌های ما را هم اضافه کنید. این‌ها برای من یادگاری‌های زیبا و دل‌انگیزی است و همان‌طور که گفتم انتظامی برای من زنده است.

فیلم‌های سینمایی را نیز همه می‌بینند و اطلاعات کامل از تکنیک‌های کاری، بازی، طراحی صحنه و فیلمبرداری دارند. اصلاً امکانات و وسایل گریم در دوره‌ای که ما دانشجو بودیم، با حال حاضر قابل مقایسه نیست. در نتیجه تجربیات امثال ما و آقای انتظامی خوب است، اما در بخش‌هایی مقدور نیست چون همه چیز تغییر کرده است.

استمرار در تمرین، استعداد ذاتی و تلاش‌گری در فهم ابعاد نقش و تفکر در کار آقای انتظامی خوب بود. هیچ‌وقت در تمرین‌های تئاتر و سینما مداد، کاغذ و یادداشت از دستش جدا نمی‌شد و دائم هر چیزی که دیگران می‌گفتند یا خودش پیدا می‌کرد را می‌نوشت و پیرامونش کار می‌کرد. یکی از مسائلی که در آن دوره ما خیلی به آن اهمیت می‌دادیم، کار با خود جدا از تمرین‌های جمعی بود؛ یعنی خودمان با نوشته‌هایمان کار می‌کردیم و متوجه چگونگی لحن، زبان و گویش اثر می‌شدیم. آقای انتظامی پیگیر کارش بود و البته غریزه و استعداد هم داشت، اما استعداد، همه کار هنر نیست، چراکه بخشی از کار هنر تمرین و استمرار در تمرین است و آقای انتظامی این ویژگی را داشت.

ما به هیچ‌وجه به حواشی کارهای نمایشی که شامل شهرت، درآمد، جایزه و شرکت در فلان جشنواره بود، توجه نمی‌کردیم. عشق، علاقه و اشتیاقی که در آن زمان داشتیم، خالص بود و عاری از شهرت، عکس، بنر، مصاحبه و درآمد بود و ما دنبال کارمان بودیم. آقای انتظامی نیز عیناً همین بود. درست است که یک‌دوره در خارج از کشور گذرانده، اما از سال ۱۳۳۶ که در اداره هنرهای دراماتیک جمع شدیم و به ما پیوست، بیشترین بهره و سهم کاری خود را از کوشش‌ها، تلاش‌ها، تمرین‌ها و استمرار در تمرین به‌دست آورد. استعداد ذاتی آقای انتظامی خودجوش بود و بسیار به او کمک می‌کرد.

## بعضی معتقدند که جای خالی آقای انتظامی هیچ‌وقت پر نمی‌شود، اما بعضی دیگر معتقدند با وجود استعدادهای جوان امروز، این خیلی دور از انتظار نیست، شما چه اعتقادی دارید؟

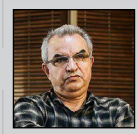
ممکن است این آدم‌ها عیناً جایگزین نداشته باشند؛ به عنوان مثال شما جایگزین جلال همایی یا فروز انفر را پیدا نمی‌کنید اما این به معنی مسدودشدن راه و ناامیدی نیست، بلکه زمانه تغییر کرده و استعدادها به نوع دیگری خود را بروز می‌دهند. در آن زمان که ما کار می‌کردیم، جمعیت ایران شاید ۳۰ میلیون بوده اما حالا سه برابر شده است. در نتیجه فکر می‌کنم بین این جوانان حتماً استعدادهای خوب پیدا می‌شود، اما شاید

## نقطه اشتراک تمامی هنرهای نمایشی

انتظامی برای من تنها یک بازیگر نبود، بلکه برای من و ایران، نقطه اشتراک تمامی هنرهای نمایشی محسوب می‌شد. سال‌ها بود که یکی از مهمترین دغدغه‌هایم کار کردن با بازیگر بزرگی بود که می‌توانست به هر نقش هویت ویژه‌ای ببخشد و این ممکن نشد تا شکل‌گیری پروژه «زادبوم». این پروژه فرصتی مغتنم برای من بود که نقش را از ابتدا برای ایشان بنویسم، بدون آنکه لحظه‌ای به این بیاندیشم که این نقش ممکن است از آخرین کارهای استاد جلوی دوربین باشد.

بعضی مرگ‌ها نشانه پایان یک دوران است، چون دیگر بدیلی پیدا نمی‌شود که با آن جایش را پر کنی، مرگ انتظامی پایان یک دوران در سینمای ایران است، دورانی بدون بازگشت... ای کاش این اتفاق در سال ۹۷ نیفتاده بود و سینمای ایران شانس این را داشت که مظهر هویت و غرور ملی‌اش را باز هم در فیلم‌ها ببیند و لذت ببرد.

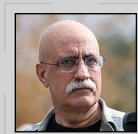
ابوالحسن داودی  
کارگردان



## همواره می‌آموخت

آقای انتظامی از آن دست هنرمندانی بود که حضورش ولو بدون فعالیت هم مایه دلگرمی و دلخوشی بود و اگر از این فقدان دریغ و حسرتی هم نصیب ما شد، فی‌الواقع دریغ و حسرت ناشی از فقدان فیزیکی ایشان است. او در سینما و تئاتر کارهایش را کرده بود، اصلاً قدمت او به قبل از سینمای ایران برمی‌گردد؛ قبل از آغاز فعالیت جدی فیلمسازی در ایران که او در تئاتر آغاز به کار کرد. انتظامی در هنر به آنچه داشت قناعت نمی‌کرد. بعد از رفتن به هنرستان هنرپیشگی و حضور در تئاترهای گوناگون در دهه ۳۰ در آلمان درس بازیگری خواند. بعد از بازگشت در کنار انبوه فعالیت‌هایش در اداره تئاتر و بازی در تئاترهای تلویزیونی و حتی بعد از درخشش بی‌نظیرش در فیلم گاو دوباره رفت سر کلاس و در دانشگاه هنرهای زیبا باز هم شروع به آموختن کرد. او جزو هنرمندانی بود که هیچ‌گاه توقف نکرد. این موضوع مهمی است که هنرمند احساس نکند به جایی که رسیده در واقع قله است و دیگر نباید کاری بکند، چون در این صورت همانی که هست باقی می‌ماند. به گمان من در این عرصه‌ها قله‌ای وجود ندارد و انتظامی قائل نبود که روی قله ایستاده است و مدام فعال بود و می‌خواند و می‌آموخت. آخر کلام اینکه «آقای بازیگر» به عنوان اسم کتابی که درباره زندگی و کار آقای انتظامی نوشته به کار رفت. آن روزها نه کسی به ما به کار بردن چنین لقبی را ابلاغ کرد و نه چیز دیگری در بین بود، بلکه انتخاب نام آقای بازیگر برای عزت... انتظامی در واقع یک انتخاب خودجوش و ناشی از اصیل بودن و اهمیت انتظامی در سینمای ایران بود. آقای بازیگر لقبی بود که براساس یک توافق جمعی به کار رفت و ماندگار شد. چه حیف که از این به بعد ابتدای این لقب باید نوشت: مرحوم...

هوشنگ گلمکانی  
سرمدپیرماهنه‌فایم





حاجی در «حاجی‌واشنگتن»: دیلماج من و خدا نباش، خدا به هر سری داناست. از بخت ما یک جاسوس نیست  
این همه جانثاری را به عرض برساند.

شماره چهارم، جمعه ۲۸ دی ۱۳۹۷

سروش

خاطرات آقای انتظامی از آقای انتظامی

# پدر-پسری‌های مجید و آقای بازیگر

منیر سادات منتظریان

مصراع «پسر کو ندارد نشان از پدر» درباره بعضی از تباط‌های پدر و پسری مانند رابطه مجید انتظامی با پدرش عزت... انتظامی به معنای واقعی صدق می‌کند. این پدر و پسر با بازی و موسیقی هنرمندانه‌شان توانستند فاتح قلب‌های یک ملت باشند و ردی از جنس احساس و خاطره در ذهن‌ها به جا بگذارند. به بهانه گرامیداشت یاد عزت سینمای ایران به سراغ مجید انتظامی و خاطرات مشترکش با پدر رفتیم. مجید انتظامی از تجربه همکاری مشترک با پدرش در چند فیلم صحبت کرد؛ از فیلم‌های «ناصرالدین شاه! اکتور سینما»، «روز واقعه»، «دیوانه‌ای از قفس پرید»، «جایی برای زندگی» و «حکم». انتظامی درباره نگاه ریزبین و حساس پدرش و صحبت‌هایی که درباره ساخت موسیقی باهم ردوبدل می‌کردند، گفت و مهمترین موضوع در تداوم یک کار را «عشق» خواند.



آقای نصیریان به خانه ما می‌آمد و درباره هنر، میزانشن و فن بیان صحبت می‌کردند، از همان دوران برایم خیلی جذاب بود چون معنای بعضی را متوجه نمی‌شدم. گاهی اوقات درباره بعضی مباحث موافق نبودند و سعی می‌کردند یکدیگر را قانع کنند و برایم جذابیت از همان موقع به‌وجود آمد و خیلی دلم می‌خواست که من هم یک کار هنری را شروع کنم.

اولین تجربه با فیلم پدرم مربوط به فیلم «گاو» مهرجویی می‌شود. البته آن زمان تهران نبودم و در آلمان دانشجوی بودم و درس می‌خواندم. این فیلم را آنجا دیدم و به قدری روی

**اولین خاطره سینمایی‌تان با پدر کی و کجا بوده و از چه زمانی متوجه شدید پدرتان یک بازیگر درجه یک هستند و جایگاه ارزشمندی میان اهل هنر دارند؟**

در زمان بچگی سینما نمی‌رفتم و بیشتر نمایش نامه‌هایی وجود داشت که در تالار سنگلج اجرا می‌شد و پدرم با علی نصیریان، جعفر والی و محمدعلی کشاورز نمایش اجرا می‌کرد. رفت‌وآمد هنرپیشه‌ها با یکدیگر که به‌عنوان مثال،



حسن هدایت را با بیش از ۲۰ قسمت با هم کار کردیم که فضایی بسیار عاطفی داشت. فیلم «دیوانه‌ای از قفس پرید» را نیز به‌طور مشترک کار کردیم، همیشه فیلم‌هایی که قرار بود به‌طور مشترک کار کنیم، برایم سخت‌تر بود، چون دلهره و نگرانی‌هایی داشتم که یک‌وقت موسیقی لنگ نزند و با فیلم جلو نرود. بازیگرانی مثل علی نصیریان، نیکی کریمی و بابا که در آن بازی می‌کردند جزو درجه یک‌های سینما بودند و این کمی کارم را سخت می‌کرد. اتفاقاً کار خیلی با ارزشی شد و موسیقی آن در جشنواره جایزه گرفت. آخرین کاری که با هم انجام دادیم، فیلم مستندی به نام «آسمان آبی» بود که برای بابا ساختند و کار موسیقی آن را من انجام دادم. در کل ما با هم شش یا هفت کار مشترک کردیم.

### از جزئیات صحبت‌هایی که پیرامون ساخت موسیقی فیلم‌ها با هم داشتید بگویید.

یادم می‌آید در سریال «محاكمه» دو نقش بازی می‌کرد که یکی از آن‌ها فرمانفرما بود و خیلی روی موسیقی که قرار بود روی این نقش کار شود، وسواس و حساسیت داشت و بعد از کار زیاد به این نتیجه رسیدم که «مرغ سحر» را نه دقیقاً مانند آن، بلکه حسی از آن را در کار پیاده کنم. قسمت‌هایی که خودش در آن بازی می‌کرد، خیلی برایش اهمیت داشت و من آن را با رایانه ضبط می‌کردم و بارها گوش می‌کرد. بارها آن صحنه را می‌دید و پابه‌پای آن گریه می‌کرد و خیلی برای کارش وسواس داشت.

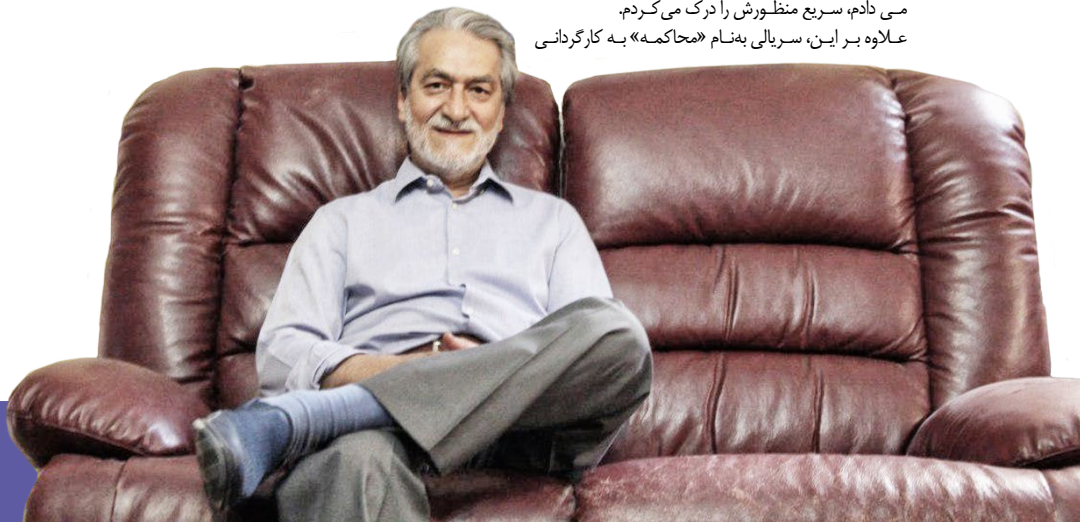
### فرزند یک هنرمند بزرگ بودن حُسن خیلی بزرگی است، اما برای اینکه زیر سایه او قرار نگیرید و شخصیت مستقلی پیدا کنید، چقدر تلاش کردید؟

من تأثیر مثبت گذاشت که این اولین تلنگر به من بود که پدرم می‌تواند یک چهره بین‌المللی باشد. قبل از آن تئاترهای متعددی از ایشان دیده‌بودم، اما در میان فیلم‌ها «گاو» این احساس را در من ایجاد کرد.

### آیا تا به حال تجربه مشترکی با پدرتان داشتید که به عنوان مثال، بازیگر فیلم پدرتان باشد و آهنگساز شما باشید یا پیشنهادی از این دست به شما شده باشد که انجام ن داده باشید یا نتوانسته باشید که انجام دهید؟

من قبلاً با مخملیاف «دستفروش» و «بای سیکل ران» را کار کردم. سر فیلم «ناصرالدین شاه: آکتور سینما» آمدند با بابا صحبت کردند که نقش ناصرالدین شاه را بازی کند و حتی مدتی به این نتیجه رسیده بودند که مظفرالدین شاه را هم بازی کند، بابا خیلی موافق نبود و می‌گفت دو نقش برایم سخت است و بعد از تست دیدند، خوب جواب داده‌است و این اولین تجربه کاری من و بابا شد. اتفاقاً هم فیلم خیلی ارزنده بود و هم موسیقی درخشان شد. «محاكمه»، «دیوانه‌ای از قفس پرید»، مستند «آسمان آبی» و یک کار ۱۰ شبه در تالار وحدت به‌نام «این فصل را با من بخوان» هم بود. وقتی پدرم بازیگر فیلمی بود، طبیعی بود که گفت‌وگوهایی بین من و ایشان شکل بگیرد. به عنوان مثال، می‌گفت مواظب آن بخش از فیلم که قرار است با اسب بتازم باش که اوج دراماتیک خوبی دارد. ساعت‌ها بر سر این مسائل با یکدیگر صحبت می‌کردیم. مثلاً سر «ناصرالدین شاه: آکتور سینما» اصرار داشت که موسیقی فیلم باید فلان شکل باشد، من هم به دلیل اینکه به‌طور حرفه‌ای کار موسیقی انجام می‌دادم، سریع منظورش را درک می‌کردم.

علاوه بر این، سریالی به‌نام «محاكمه» به کارگردانی







ساعت‌ها به خیابان ولیعصر می‌رفتیم که مردم غذاهای‌شان را روی ماشین می‌خوردند و ما داخل ماشین می‌نشستیم و بابا روی رفتار گردفروش آن خیابان تمرکز می‌کرد. در آن زمان بچه بودیم و متوجه نمی‌شدیم و فکر می‌کردیم ما هم اینجا آمده‌ایم تا کباب بخوریم (با خنده) اما دو ساعت تماشا کردیم و به خانه رفتیم. بابا خیلی وسواس داشت و به همین دلیل تمام کارهای او را شاخص می‌بینم؛ یعنی «چاره نشین‌ها» را همان قدر زیبا می‌بینم که «گاو» را زیبا می‌بینم و «گاو» را همان قدر بزرگ می‌بینم که «بانو» را. او در «بانو» و «حاجی واشنگتن» بی‌نظیر بود. تمام این شخصیت‌ها و نقش‌ها از قبیل «گاو»، «چاره‌نشین‌ها» و «ناصرالدین شاه؛ اکتور سینما» خیلی از هم دور است، اما بابا به خوبی از پس آن‌ها برآمده‌است.

همه این کارها برجسته بود و این نتیجه وسواس و عشق است. آدم در تمام رشته‌ها تا عاشق نباشد، نمی‌تواند یک کار فوق‌العاده خلق کند. تنها عشق است که شما را وای می‌دارد ساعت‌ها روی یک تم موسیقی کوچک کار کنید تا تبدیل به یک قطعه بزرگ شود. شما نماینده‌های بابا را ندیدید و اصلاً وقتی به دست او می‌رسید، دگرگون می‌شد و کنار نمایشنامه یک نمایشنامه و نقش دیگر می‌نوشت و دیالوگ‌ها، سکوت‌ها و مکث‌های آن را تغییر می‌داد و شخصیت را می‌پروراند و دیالوگی را بیان می‌کرد که به شخصیت نزدیک باشد. مثلاً نوع گویش او در «چاره‌نشین‌ها» که قصاب بود انتخاب خودش بود. حتماً با نقش‌های جدی‌تر او تفاوت داشت و به‌طور دقیق برای خودش می‌نوشت. به‌عنوان پرسش از تمام این نقش‌ها لذت بردم و افتخار می‌کنم که فامیلی‌ام انتظامی است و سعی کردم در موسیقی به شیوه‌ای کار کنم که اسم پدرم را خراب نکنم.

حرفه ما با هم خیلی تفاوت داشت؛ بابا هنرپیشه روبه‌روی دوربین و من آهنگساز پشت دوربین بودم. بابا یک نمایشنامه حاضر را با کمی دستکاری و وسواس به خرج‌دادن، سعی می‌کرد به خوبی ارائه دهد، اما من باید از هیچ، چیزی خلق می‌کردم، هیچ وقت در زندگیم به این فکر نکردم که زیر سایه پدرم کار می‌کنم. البته خیلی خوشحالم زیر سایه پدرم باشم و این آخری‌ها که گفتش را می‌پوشید، بند گفتش را می‌بستم. بابا از اینکه من بند گفتش را می‌بندم، ناراحت بود و عقیده داشت نباید این کار را انجام دهم اما می‌گفتم این چه حرفی‌ست، حرفه ما با زندگی ما فرق دارد. هنوز هم همین‌طور است و حالا که نیست خیلی اوقات با خودم می‌گویم که کاش بیشتر برایش کار انجام می‌دادم، متأسفم که نشد و من تمام تلاشم را کردم و البته خودم هم بیمارم. همیشه در راه آزمایش، دکتر و بیمارستان بودم و به تنهایی کارهایم را انجام می‌دادم و کسی نبود کمک کند.

## فارغ از جایگاه پدر و پسری چه نظری درباره جایگاه بازیگری عزت... انتظامی در سینمای ایران دارید و چه شأنی برای او قائلید؟

فارغ از عشق پدر و پسری، معتقدم همتای پدرم نبود و اگر باشد، خیلی کم است و شاید یک یا دو نفر صلاحیت او را داشته‌باشند. او یک شخصیت کاملاً بین‌المللی بود، اما متأسفانه هنر در کشورمان کمی بسته است و اخیراً باب شده‌است که هنرپیشه‌ها و کارگردانان کار مشترک انجام می‌دهند، اما زمانی که پدرم سرحال بود این حرف‌ها مطرح نبود. پدرم اولین جایزه بازیگر مرد را در جشنواره شیکاگو برای فیلم «گاو» گرفت. معتقدم فیلم‌هایی که پدرم بازی کرده را باید چندبار ببینیم تا به ابعاد گوناگون آن کاراکتر پی ببریم. ما هم با فیلم‌های او و هم خودش زندگی کردیم. معتقدم او کارش را هم به اندازه ما دوست داشت و گاهی وقت کمی برای ما می‌گذاشت، چون اصلاً خانه نبود. موقعی که جوان‌تر بود، در شهرستان‌ها تئاتر اجرا می‌کرد و بعد هم وقتی کارش با سینما شروع شد، اگر تهران بود، صبح تا نصف شب می‌رفت و اگر شهرستان بود، سه یا چهار ماه می‌رفت و به همین دلیل نمی‌توانست زیاد برای ما وقت بگذارد اما ما با افتخار نام پدر را می‌بردیم و می‌بیریم.

## بهترین نقش آفرینی پدران را در چه فیلم یا فیلم‌هایی می‌دانید؟

نمی‌توانم بگویم کدام کارش درخشان است چون هم او و هم ما با تمام این کارها زندگی کرده‌ایم. یادم می‌آید یک نمایشنامه به نام «درکنار جاده» به کارگردانی مهین تجدد کار می‌کرد و

# سال‌ها زندگی و آثار آقای بازیگر



- ۱۳۲۸ بازی در نقش کوتاه در فیلم «پاری».
- ۱۳۲۶ حضور در تئاتر فروسی و شاکردی کلاس عبدالحمین نوبختی.
- ۱۳۲۰ بازی در نخستین نمایش حرفه‌ای با حضور در نمایش «اولیما نوم».
- ۱۳۱۶ شروع به فعالیت در لاله‌زار به عنوان پیش پرده خوان.
- ۱۳۱۱ گراپتی به فعالیت‌های هنری پس از ورود به هنرستان صنعتی قنچه تهران.
- ۱۳۰۲ تولد در محله سنگج تهران

- ۱۳۴۸ اکران «گل» استقبال منتقدان و مردم و شروع موج نوجوی سینمای ایران.
- ۱۳۴۷ پذیرش پیشنهاد دارپوش مهرجویی برای بازی در فیلم «گل».
- ۱۳۴۰ شکوفایی در تئاتر و روزهای پرکاری، بازی در نمایش‌های «سکه».
- ۱۳۳۹ اولین تجربه کارگردانی تئاتر با اجرای نمایشنامه «اندو».

فستیوال  
 جشنواره  
 37th  
 FAJR FILM FESTIVAL



- ۱۳۷۱ عضویت در هیئات داوران یازدهمین جشنواره فیلم فجر.
- ۱۳۶۸ بازی در نقش کیل در فیلم «هامون» (دارپوش مهرجویی).
- ۱۳۶۷ برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد هفتمین جشنواره فیلم فجر برای بازی در «گراند سینما» (حسن هدایت).
- ۱۳۶۶ نقش آفرینی در «آوار» (عشقم‌ها) (دارپوش مهرجویی)، هم‌بازی شدن دوبار با علی نصیریان در «شیر سنگی» (مسعود جعفری جوزانی).

طرح: علی شکوری  
 سبک: وهفتم

با احترام به تمام هم‌نسلان گران‌قدر انتظامی، همه اساتید و چهره‌هایی که فخر هنر بازیگری در سینمای ایران هستند، باید از چهره منحصر به فردی گفت که در طول دورانی طولانی (بیش از نیم‌قرن) مقابل هر وسوسه‌ای جز کیفیت نقش و کلیت اثر ایستاد تا این احترام و این کارنامه، نتیجه ایستادگی‌اش باشد.



۱۳۳۲

سفر به آلمان و ثبت‌نام در مدرسه شانه روزی هنر هالوفور.

۱۳۳۷

بازگشت به ایران — کار در فروشگاه فردوسی و فعالیت به‌عنوان دوبلور.

۱۳۳۸

استخدام در اداره هنرهای دراماتیک و حضور در نمایشنامه‌های تلویزیونی.

۱۳۴۹

بازیگری در سینما جدی می‌شود. بازی در نقش در فیلم «آقای هالو».

۱۳۵۰

برنده جایزه نخست بازیگری از جشنواره شیکاگو (۱۹۷۱) برای بازی در فیلم گاو.

۱۳۵۱

درخشش در «سپنجی» (داپوش مهرجویی)، بازی در «سزار خان» (علی حاتمی) و حضور در مقابل دوربین تقوایی برای «صانع کرده».

۱۳۵۴

اوج پختگی در بازیگری با حضور در «ایره مینا» (داریوش مهرجویی).

۱۳۵۷

کارگردانی هنری فیلم — نمایش تلویزیونی «مسافرت» برای تلویزیون ملی ایران. مسافرت‌ها و گزینش‌های درنیامد.

۱۳۶۰

وقفه در تولید — هزار داستان و بازی در «حاجی و اشکن» (علی حاتمی).

۱۳۷۵

آخرین همکاری با علی حاتمی و بازی در نقش پدر تختی در فیلم «چنان بپایان تختی» نیمه کاره ماندن فیلم به دلیل درگذشت حاتمی.

۱۳۸۰

بازی در «خانه‌ای روی آب» (بهمن فرمان‌آرا) و اخذ جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد بیستمین جشنواره فیلم فجر.

۱۳۸۳

اولین و آخرین همکاری با مسعود کیمیایی در فیلم «حکم».

۱۳۸۷

برنده تندیس بهترین بازیگر نقش مکمل مرد جشنواره فیلم بین‌رود (۲۰۰۸)

۱۳۹۳

بالاخره می‌رود انتظامی در قیصریه و جایی که سال‌های طولانی خانه آقای بازیگر بود افتتاح شد.

۱۳۹۷

۲۶ مرداد اسناد که چند سالی بود بیماری‌اش شدت گرفته و خانه نشین شده بود، از دنیا رفت.







## با تهیه کنندگان به بهانه تصمیمی تازه بختی که بیدار شد

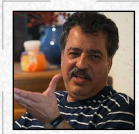
شش تهیه کننده سینما، واگذاری درآمد حاصل از فروش فیلم‌ها به صاحبان آثار را اقدامی پسندیده خواندند. امسال برای نخستین بار در تاریخ برگزاری جشنواره فیلم فجر درآمد حاصل از فروش فیلم‌های حاضر در این رویداد سینمایی به صاحبان آثار تعلق می‌گیرد. با پیشنهاد ابراهیم داروغه‌زاده دبیر جشنواره و موافقت حسین انتظامی سرپرست سازمان سینمایی، مقرر شده است تا ۵۰ درصد از مبلغ فروش بلیت‌ها در سینماهای مردمی که پیش از این به جشنواره تعلق می‌گرفت بعد از پایان جشنواره و پس از کسورات قانونی به صاحبان آثار پرداخت شود. در همین زمینه نظر چند تن از تهیه کنندگان سینما را جویا شدیم که نگاهی به آن‌ها خالی از لطف نیست.

نژاد پیکانیان

اقتصادی متضرر نشوند که به همین دلیل این تصمیم بسیار موثر و خوب است.

### اتفاقی که باید به فال نیک گرفت

علیرضا رئیس‌یان با تمجید از تصمیم برگزارکنندگان جشنواره فجر برای واگذاری درآمد حاصل از فروش فیلم‌ها به صاحبان آثار، صحبت‌های خود را اینگونه ادامه می‌دهد: «این تصمیم اقدامی موثر در زمینه برگزاری این رویداد سینمایی است، زیرا تعداد اکران‌های جشنواره فیلم فجر از حالت جشنواره‌ای خارج شده و به شکل اکران عمومی درآمدی بود، مسئله‌ای که ادامه آن ضرر بیشتر تهیه کنندگان را به همراه می‌داشت».



رئیس‌یان که این مهم را به فال نیک گرفته است، آن را تصمیمی مهم و موثر می‌خواند. «خوشبختانه با موافقت آقای داروغه‌زاده امسال شاهد این اتفاق مثبت و خوب هستیم که باید آن را به فال نیک گرفت. به دلیل آنکه در اصل باید شکل مردمی جشنواره حفظ شود و در عین حال تهیه کنندگان نیز از نظر

### بالاخره آنچه باید اتفاق افتاد

مسعود رادابی با اشاره به دغدغه‌ای که تهیه کنندگان درباره موضوع درآمد حاصل از فروش بلیت‌ها داشتند، این فعل را اقدامی ارزشمند از سوی سازمان سینمایی و دبیر جشنواره سی‌وهفتم می‌خواند.



«قاعدتا طی این سال‌ها تهیه کنندگان دنبال این موضوع بودند که بالاخره این اتفاق خوب، امسال با حمایت شورای عالی تهیه کنندگان و خانه سینما عملی می‌شود. به نظر من برای پیگیری این موضوع باید نماینده‌ای از شورای عالی تهیه کنندگان یا خانه سینما انتخاب شود تا این کار با هماهنگی سازمان سینمایی و جشنواره فجر به سرانجام برسد».



## مطالبه دیرینی که وصول شد



سید جمال ساداتیان نیز درباره این تصمیم برگزار کنندگان فجر اینگونه نظر می‌دهد. «وقتی دهه فجر با نمایش فیلم‌های حاضر در جشنواره فجر پررنگ‌تر و ارکان‌ها نیز از عرف جشنواره‌های بیشتر می‌شود،

بهتر است که مسوولان هزینه پخش آن را نیز تامین کرده و به صاحبان آثار پرداخت کنند، اتفاقی که خوشبختانه در حال رخ دادن است.»

او این مسئله را از مطالبات دیرین صاحبان آثار می‌خواند. «این مطالبه همواره برای صاحبان آثار و تهیه‌کنندگان وجود داشته است، زیرا در سال‌های اخیر بخش گسترده‌ای از فیلم‌های سینمایی توسط بخش خصوصی ساخته می‌شود که این مسئله به نوعی کمک‌حال آنان نیز خواهد بود.»

## ماهی را هر وقت از آب بگیري تازه است



محنتی فرآورده با استقبال از این تصمیم، آن را اقدامی می‌خواند که می‌بایست سال‌ها پیش رخ می‌داده است. «این تصمیم که از سوی برگزار کنندگان جشنواره فیلم فجر اتخاذ شده است، اتفاق بسیار خوبی است. البته این تصمیم باید سال‌های پیش عملی می‌شد، اما به قول معروف ماهی را هر وقت از آب بگیري تازه است و عملی شدن آن در این دوره جشنواره پسندیده است.»

او فرصت ارزیابی واگذاری درآمد حاصل از فروش فیلم‌ها به صاحبان آثار بعد از عملی شدن آن را نیز مغتنم می‌شمارد. «این اقدام بسیار مطلوب، پسندیده و خوب است و پس از عملی شدن آن در این دوره جشنواره فجر می‌توان به ارزیابی آن پرداخت و وضعیتی که داشته است را سنجید.»

## تصمیمی که جشنواره رونق می‌بخشد



علی قائم‌مقامی این اتفاق نو را تصمیمی بزرگ می‌خواند. «این اقدام بسیار ارزشمند و خوب است و باید از دبیر جشنواره فیلم فجر که موافقت سازمان سینمایی را برای انجام این کار جلب کرده است،

قدردانی کرد زیرا که بسیار اقدام موثری خواهد بود.»

او معتقد است با چنین اقدامی شاهد ریزش مشکلاتی خواهیم بود. «این اتفاق بی‌سابقه است و حداقل تهیه‌کنندگان با این اقدام می‌بینند که حضورشان در جشنواره آورده‌ای داشته است، در گذشته سر بلیت سانس‌های فوق‌العاده اختلاف بود و پرداخت مدونی نداشت، اما با این تصمیم دیگر چنین مشکلاتی وجود ندارد و امیدوارم که بدون هیچ مشکلی شاهد عملی شدن آن باشیم.»

او همچنین این تصمیم را عامل مجاب‌کننده نظر تهیه‌کنندگان برای حضور در جشنواره و رونق این رویداد هنری عنوان می‌کند. «اگر این اتفاق در سال‌های آینده نیز رخ دهد و تهیه‌کنندگان شاهد باشند که با حضور در جشنواره فیلم فجر آورده مالی نیز دارند، حتما تمایل بیشتری برای حضور در جشنواره پیدا خواهند کرد، به‌ویژه تهیه‌کنندگانی که به صورت مستقل مشغول فعالیت هستند تصمیم واگذاری درآمد حاصل از فروش فیلم‌ها به صاحبان آثار و تهیه‌کنندگان بزرگ‌ترین اقدام دبیر جشنواره بوده است.»

## حقوقی که دیگر ضایع نمی‌شود



همچنین غلامرضا موسوی این تصمیم را اقدامی در راستای جلوگیری از تضییع حقوق تهیه‌کنندگان می‌خواند. «در جشنواره‌های گوناگون تعداد نمایش فیلم‌ها در سه یا حداکثر چهار سانس خلاصه می‌شود، اما در جشنواره فیلم فجر به دلیل اینکه همزمان با جشن‌های انقلاب اسلامی است، نمایش فیلم‌ها از روز اول به نسبت سایر جشنواره‌ها گسترده‌تر است.»

این تهیه‌کننده با همه تحسین این تصمیم، گلایه‌هایی هم از گذشته دارد. «ما به عنوان صنف شورای عالی تهیه‌کنندگان همیشه از تعداد نمایش‌ها گلایه داشتیم، چراکه این موضوع به زبان تهیه‌کنندگان فیلم‌ها بود. اما این اقدام باعث می‌شود تهیه‌کنندگان ضرر نکنند.»

او ثمره چنین اقدامی را فقط متوجه تهیه‌کنندگان می‌داند. «طبیعی‌ست که همه ابعاد این قضیه به نفع تهیه‌کننده است، چراکه قبلاً هم همین تعداد نمایش داشتیم اما هیچ پولی به تهیه‌کننده نمی‌رسید، در واقع جشنواره به طور کامل پول سینماها را می‌داد، اما هر چه بلیت فروخته می‌شد به حساب جشنواره می‌رفت. اما حالا با این تصمیم جدید ۵۰ درصد سود تهیه‌کنندگان و صاحبان آثار نیز به خودشان پرداخت می‌شود.»





یازده حسین انتظامی از ستاد برگزاری سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر

عکس: حسن همدانی





تقدیر رئیس سازمان سینمایی از هیات‌های انتخاب جشنواره



عکس: حسن هادی



## حال خوب منتقد بودن

در سرما جلوی سینما آزادی توی صف ایستاده بودم و با آنکه نزدیک در ورودی بودم هیچ امید نداشتم بتوانم وارد سالن شوم. آن روزها استادم اکبر عالمی که به ما درس لایوتوار می‌داد من را به برنامه بسیار معروف و محبوبش هنر هفتم دعوت کرده بود تا درباره فیلمی صحبت کنم و من فکر می‌کردم الان مشهورترین منتقد ایرانم. از قضای روزگار همینطور هم شد. حمید لولایی که آن زمان مدیر سینما آزادی بود من را شناخت، از پشت شیشه صدایم زد و در سینما را باز کرد تا داخل شوم. با پاهایی که از سرما کرخت شده بود و لبخندی بر لب، به تماشای فیلم نشستیم و از موهبت مشهور بودن کیف کردم!! این‌ها را گفتم تا یادم بماند آن سال‌ها دیدن فیلم‌های جشنواره به راحتی این سال‌ها نبود. حتی ما که دانشجوی سینما بودیم ساعت‌ها در سرما در صف می‌ایستادیم تا سالن گرم سینما شامل حال‌مان شود. اما شاید همین سختی‌ها بود که خاطرات آن روزها را این قدر شیرین کرده که هیچ گاه از خاطرم نمی‌رود.

شاهرخ دولکو  
منتقد

جشنواره رفتن را از سال ۶۸ شروع کردم. مهرماه همان سال در دانشکده سینما تئاتر دانشگاه هنر، رشته سینما قبول شده و از شهرستان به تهران آمده بودم. یک شب از سینما



عصر جدید به سینما آفریقا آمدم تا فیلم هامون را ببینم که آن سال برایش غوغایی به پا شده بود. صف از گیشه شروع می‌شد و تا حدود سینما استقلال ادامه داشت. هم‌کلاسی‌هایم را دیدم که گوشه‌ای بیرون سینما زانوئی غم به بغل گرفته بودند. یکی از بچه‌ها از کارت دانشجویی خود دوبار استفاده کرده بود تا دوستش را به دیدن هامون ببرد و مدیر سینما آفریقا فهمیده بود و کارتش را گرفته بود. آن روزها من در مجله سروش نقد فیلم می‌نوشتیم. بچه‌ها دورهم کردند که تو منتقدی و برو و شفاعت کن تا کارت را پس بگیری. رفتم و مدیر سینما آفریقا احترام کارت مجله سروش را نگه داشت و کارت دوستم را پس داد. سال بعد، سال پرده آخر وارو کریم مسیحی بود. سه ساعتی

## جشنواره‌های آزادی و شهر قصه

ببینند. به نظر من این معنای اولیه و واقعی جشنواره فجر بود در دورانی که فارغ از کیفیت فیلم‌ها، سینما برای مردم نقش و اهمیت بیشتری داشت و حاضر بودند به خاطرش در سرمای آن روزها ساعت‌های طولانی در صف‌ها بایستند تا بتوانند فیلم‌ها را قبل از آنکه چند ماه یا یک سال بعد در اکران ببینند در جشنواره تماشا کنند. به نظر من این مهم‌ترین خصلت یک جشنواره است که بتواند مردم را به سمت سالن‌های سینما بکشانند. الان شاید خیلی نمی‌شود توقع فضای جشنواره‌های قدیم را داشت. به هر حال حالا شکل سینما رفتن و فیلم دیدن مردم تغییر کرده و اغلب تماشاگرها بلیت‌ها را پیش‌خرید می‌کنند. اما فکر می‌کنم آن دوران با وجود همه مشکلاتی که بود \_ به ویژه مشکلات ناشی از جنگ \_ یک شور و حال دیگری وجود داشت و همه کسانی که آن دوران را درک کردند شاید همچنان جشنواره فجر با همان تصویر در ذهن‌شان مانده باشد.

علی صلح حیدرزاده  
روزنامه‌نگار و منتقد

اولین برخورد من با جشنواره فیلم فجر در سال ۶۵ بود. تقریباً بچه بودم که یکی از اقوام من را برای تماشای فیلم بی پناه علیرضا داوودنژاد به سینما آزادی برد. آن روز در واقع بیشتر از آن که فیلم یاد من بماند فضای حاکم بر جشنواره در حافظه من حک شد. تقاطع خیابان عباس‌آباد و وزرا بر از جمعیت بود و هوا خیلی سرد. همه در صف ایستاده بودند. طبیعتاً منظورم از سینما آزادی همان شکل قدیمی و قبل از آتش‌سوزی آن است، یعنی دو سینمای آزادی و شهر قصه. من یادم هست به عنوان یک کودک شش یا هفت ساله با دهان باز ایستاده بودم و آن سیل جمعیت را می‌دیدم که در آن سرما یک صف حدوداً ۱۰۰ تا ۲۰۰ متری را تشکیل داده بودند و می‌خواستند فیلم‌هایی که آن روز سینما آزادی و سینما شهر قصه پخش می‌کردند را





# Nick Name سینمای ایران

خبراندیش است چون اسم نامبرده گوهر است. گوهر سینمای ایران داریم، بارن کوثری هم داریم اما «بارن سینمای ایران» نداریم.

— جواد سینمای ایران: جواد خیابانی یکبار در برنامه هفت گفت که خیلی اهل سینماست اما آخرین فیلمی که دیده بود از اس شیشه‌ای بود و البته چند دقیقه بعد در همان برنامه تلویزیونی یادش آمد که چون جواد خیابانی است، در هر شرایطی باید گاف بدهد، پس بلافاصله گفت به‌خاطر فیلم «شیار ۱۳۳» در سینماگریه کرده‌است.

— گلزار سینمای ایران: این لقب تعلق می‌گیرد به محمدرضا شریفی‌نیا؛ مردی که در فیلم‌ها همه خانم‌ها به این در و آن می‌زنند با او ازدواج کنند یا قبلاً با ایشان ازدواج کرده‌اند و الان سرشان هوو آمده.

— مادر سینمای ایران: این لقب متعلق به ژاله علو است در حالی که در حق ثریا قاسمی که یک عمر در فیلم‌های ایرانی با سینی جای جلوی دوربین حاضر شد و دیالوگ طلایی «بدر و پسر خوب با هم خلوت کردید» را گفت اجحاف شده.

— مرد هزار چهره: اکبر عبدی است که تا قبل از انتشار خبری در صفحه حوادث با تیتیر دستگیری مرد هزار چهره با ۴۰۰ حساب بانکی، لقب خوبی بود.

— نمک سینمای ایران: دهنمکی نه به‌خاطر کم‌دلی‌های اخراجی‌هایش بلکه به‌دلیل اظهارنظری که درباره لزوم رحم کردن تیم ملی فوتبال به تیم ملی یمن و کم گل زدن به این تیم کرده بود، نزد اهالی فوتبال به گوله نمک شناخته می‌شود.

محمدرضا نصیری

در فوتبال ایران خوب لقب خیرات می‌کنند اما سینمایی‌ها کمی خسیس‌ترند در فوتبال لقب‌هایی مثل پرسپولیس زلزله، اس اس اشیمیلان (تیمی که پیراهنش قرمز و سیاه است)، جادوگر (علی کریمی)، شاه‌امی (فرهاد مجیدی)، سلطان (علی پروین)، جمشیدی اوورمارس، اکبرپور بیه‌تو... و بدل و بخشش شده. در موسیقی هم خوب لقب می‌دهند مثل آقای صدا، سلطان جاز، آقای خاص، سلطان احساس، شاه‌امی، سلطان مشک‌پوش، صدای موسیقی ایران و... اما سینمایی‌ها تازه یاد گرفته‌اند از این لقب‌ها به ستاره‌های این صنعت بدهند. این هنوز همه گیر نشده و بعضی‌ها که کاملاً در سینما به کلیشه تبدیل شده‌اند هنوز لقب ندارند؛ چهره‌هایی مثل جواد هاشمی (که در فیلم‌های کمدی و مربوط به کودکان هم نقش مظلوم دارد) هنوز لقبی ندارند. یا لقب‌هایی مثل «ای خدای سینمای ایران»، «هار نخرخمه» سینمای ایران، «آدم باید خودش عاقل باشه» سینما، «باورم باقالی» سینمای ایران، کامبیز سینمای ایران، غضنفر سینمای ایران و... هم در نوبت هستند.

— عزت سینمای ایران: آدم ناخودآگاه ذهنش می‌رود سمت عزت ضرغامی و با خودش می‌گوید که «نه، این نامبرده نمی‌تواند عزت سینما باشد» و سپس ذهنش می‌چرخد به سمت عزت پورقاز که خب قاعدتا او نهایتاً خیلی هنر کند می‌شود عزت فوتبال ایران که تازه آن هم اگر «عزت... جانملکی» بگذارد بعد آدم با خودش می‌گوید دیگر چه عزت‌هایی داریم؟ دست‌آخر یادش می‌آید که عزت... انتظامی را داریم که البته داشتیم و همین چند وقت پیش از دست‌شان دادیم.

— گوهر سینمای ایران: این معنی خاص دارد. لقب گوهر





و داریوش مهرجویی هم با فیلم‌های «سربازان جمعه» و «میهمان مامان» حضور داشتند

### بیست‌وسومین دوره جشنواره فیلم فجر

رضاداد یکبار دیگر در بیست‌وسومین دوره جشنواره فیلم فجر دبیر شد تا ۲۴ فیلم در بخش سینمای ایران باهم به رقابت پرداختند. رضا میرکریمی با فیلم متفاوت «خیلی دور خیلی نزدیک» در قامت یکی از مدعیان دریافت سیمرغ‌های جشنواره ظاهر شد تا مسعود رایگان هم با این اثر و بعد از سال‌ها حضور در تئاتر، در سینما هم ظاهر شود، هر چند که در نهایت پرویز پرستویی سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد را دریافت کرد. مجید مجیدی هم در این دوره با «بید مجنون» حضور داشت. در این دوره دو بزرگداشت برای عبدالله اسکندری و فرامرز قریبیان برگزار شد. در بخش فیلم‌های اول و دوم نیز ۱۵ اثر با هم به رقابت پرداختند. کیانوش عباری با «بیدار شو آرزو» و محمد بزرگنیا با «جایی برای زندگی» از دیگر فیلمسازان برجسته حاضر در این دوره بودند.

### بیست‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر

بیست‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر هم با ۲۴ فیلم در بخش مسابقه سینمای ایران و بازم به دبیری علیرضا رضاداد برگزار شد. جشنواره‌ای که شاهد یکی از فیلم‌های برجسته کارنامه اصغر فرهادی بود. او با «چهارشنبه سوری» به‌عنوان یکی از بهترین‌های این دوره حضور داشت و توانست سه جایزه اصلی بهترین کارگردانی، بهترین تدوین و همچنین بهترین بازیگر نقش اول زن را توسط هدیه تهرانی دریافت کند. در بخش بزرگداشت‌های این دوره هم از یک عمر فعالیت هنری خسرو سبنایی، گلاب آدینه و مجید انتظامی تقدیر به‌عمل آمد. ابراهیم حاتمی کیا هم در این دوره با فیلم پُر سر و صدای «به نام پدر» از زاویه‌ای متفاوت به سینمای جنگ پرداخته بود که در نهایت توانست همچون دوره گذشته نظر هیات داوران را جلب کند و جایزه سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد را با بازی پرویز پرستویی دریافت کند.

### بیست‌وپنجمین دوره جشنواره فیلم فجر

در هر دوره حداقل یک فیلم جنجالی در جشنواره حضور دارد و در دوره بیست‌وپنجم بود که مسعود دنمکی با فیلم کمدی «خراجی‌ها» سینمای دفاع مقدس را به چالش کشید و در بین مخاطبان سینما شناخته شد. این فیلم در نهایت آراء مردمی جشنواره را هم به خود اختصاص داد. از دیگر فیلم‌های پرحاشیه این دوره «سنجری» به کارگردانی داریوش مهرجویی بود که با لحنی



## مسترسرچر

فیلم محمدی

### بیست‌ودومین دوره جشنواره فیلم فجر

بیست‌ودومین دوره جشنواره فیلم فجر به دبیری علیرضا رضاداد برگزار شد. در این دوره بیش از ۳۰ فیلم در بخش مسابقه سینمای ایران باهم به رقابت پرداختند. یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین فیلم‌های این دوره «مارمولک» به کارگردانی کمال تبریزی بود که در نهایت هم توانست به‌عنوان فیلم برگزیده مخاطبان انتخاب شود. از میان دریافت کنندگان سیمرغ هم نام‌های جالبی به‌چشم می‌خورد که می‌توان از آن‌ها به‌یادماندنی‌ترین به‌عنوان برنده سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول مرد برای بازی در فیلم «شمعی در باد» و کامبیز دیرباز به‌عنوان برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد برای ایفای نقش در فیلم «ووتل» نام برد. در این دوره فیلمسازان صاحب‌نامی چون مسعود کیمیایی





ابراهیم حاتم‌یکیا هم در این دوره با فیلم *پَر سر و صدای* «به نام پدر» از زاویه‌ای متفاوت به سینمای جنگ پرداخته بود که در نهایت توانست همچون دوره گذشته نظر هیات داوران را جلب کند

شماره چهارم، بهار ۱۳۹۷

سروش



دوره بود «بی پولی» حمید نعمت‌الله، «زادبوم» ابوالحسن داودی، «سوپرستار» ته‌مین میلانی و «بیست» به کارگردانی عبدالرضا کاهانی از جشنواره فیلم‌های این دوره از جشنواره بودند. همچنین در این دوره از جشنواره بزرگداشت ابراهیم حاتم‌یکیا، محمد رضا شرفالدین، خسرو شکیبایی، رسول صدرعاملی و محمود کلاری برگزار شد. شهاب حسینی که در دوره قبل برای بازی در فیلم «محیا» دیپلم افتخار دریافت کرده بود، این بار با «سوپرستار» سیمرغ بلورین را به خانه برد.

## بیست و هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر

یکی از ملتهب‌ترین دوره‌های جشنواره فیلم فجر، بیست و هشتمین دوره بود که مسعود مسعودشاهی دبیری آن را برعهده داشت. اتفاقات پس از انتخابات سال ۸۸ جشنواره و هنرمندان را هم تحت تاثیر قرار داده بود. اما یکی از اتفاقات جالب این دوره، حضور دو فیلم «به رنگ ارغوان» به کارگردانی ابراهیم حاتم‌یکیا و «تسویه حساب» به کارگردانی ته‌مین میلانی بود که هر دو اثر رفع توقیف شده و به جشنواره راه یافته بودند. در این دوره ۲۶ فیلم با هم به رقابت پرداختند که «آناهیتا» عزیزا... حمیدنژاد، «به رنگ ارغوان» ابراهیم حاتم‌یکیا، «تسویه حساب» ته‌مین میلانی، «چهل سالگی» علیرضا رئیس‌یان، «غواب‌های دنباله‌دار» پوران درخشنده، «شب واقعه» شهرام اسدی، «طلا و مس» همایون اسعدیان، «طهران تهران» به کارگردانی مشترک داریوش مهرجویی و مهدی کرم پور و «کیفر» حسن فتحی از مهمترین‌ها بودند. از جوایز جالب این دوره هم می‌توان به سیمرغ بهترین نقش مکمل زن اشاره کرد که شیرین یزدان‌بخش برای اولین حضور خود در فیلم «لطفاً مزاحم نشوید» به کارگردانی محسن عبدالوهاب آن را در آستانه ۶۰ سالگی دریافت کرد.

انتقادی و در بستری اجتماعی به زندگی یک موزیسین جوان با بازی بهرام رادان پرداخته بود. همچنین در این دوره از جشنواره فیلم فجر فیلمی شامل ۱۵ ایزود که توسط کارگردان‌های سرشناس سینمای ایران درباره فرش ایرانی ساخته شده بود به نمایش درآمد و سیمرغ طلایی سینمای ایران برای نگاه ملی را دریافت کرد. در این دوره مراسم بزرگداشتی برای علی نصیریان و یدالله صدقی برگزار شد. «توبوس شب» به کارگردانی کیومرث پوراحمد، «چپه‌های ابدی» به کارگردانی پوران درخشنده، «پارک وی» به کارگردانی فریدون جیرانی، «روز سوم» به کارگردانی محمدحسین لطیفی، «قاعده‌بازی» به کارگردانی احمدرضا معتمدی و «مینای شهر خاموش» به کارگردانی امیرشهاب رضویان از دیگر فیلم‌های بیست و پنجمین دوره بود. دبیری این دوره را نیز علیرضا رضاداد برعهده داشت.

## بیست و ششمین دوره جشنواره فیلم فجر

در بیست و ششمین دوره جشنواره فیلم فجر، مجید شاه‌حسینی به عنوان دبیر جشنواره عهده دار برگزاری مهمترین رویداد سینمایی کشور شد. جشنواره با ۲۳ فیلم در بخش مسابقه سینمای ایران برگزار شد و نام‌هایی چون مجیدی مجیدی، سیدرضا میرکریمی، بهمن فرمان‌آرا، محمدرضا اصلانی، فرزاد موتمن، کمال تبریزی، مانی حقیقی و رسول صدرعاملی در آن حضور داشتند. مجیدی با «آواز گنجشک‌ها» و سیدرضا میرکریمی با «به همین سادگی» و کمال تبریزی با «همیشه پای یک زن در میان است» از مهمترین‌های جشنواره بودند. اما یکی از اتفاقات جالب اهدا سیمرغ بلورین بهترین بازیگری مرد به امین حیایی برای بازی در فیلم «شب» بود. هنگامه قاضیانی هم در اولین حضور جدی خود در سینما و برای ایفای نقش در فیلم «به همین سادگی» سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرد. در این دوره یک سیمرغ ویژه هیات داوران برای یک عمر دست‌آورد فنی و هنری به علیرضا زرین دست اهدا شد.

## بیست و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر

مجید شاه‌حسینی برای دومین سال متوالی دبیر جشنواره شد و ۲۵ اثر از فیلمسازان مطرح کشور در این دوره با هم به رقابت پرداختند. این دوره هم یکی از درخشان‌ترین جشنواره‌های فجر بود. شاید بتوان اصغر فرهادی را برترین چهره این جشنواره دانست که با «در باره‌الی» مخاطبان و منتقدان داخلی و خارجی را شگفت‌زده کرد و به عنوان نماینده سینمای ایران به مراسم اسکار معرفی شد. واروژ کریم‌مسیحی هم بعد از سال‌ها با تردید به جشنواره آمده بود و بهرام بیضایی نیز یکی دیگر از سرشناس‌ترین فیلمسازان این

سینمایی از مخاطب متذکر است که باید در خدمت مردم و تربیت مردم باشد

(انگلیسی)



نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

(۱۶ و ۸ میلیمتری)

۱۳۶۱ - ۲۲ بهمن ۱۳۶۰

کواهی می‌شود که آقای طباطبائی  
فیلمبردار فیلم  
بخاطر بهترین فیلمبرداری

بدریافت این دیپلم افتخار نائل شده است

حسین داوود

از محضر شورای برگزاری  
فیلم جشنواره

فجر سی و هفتم

زیر نظر روابط عمومی سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر

این یک گواهی است برای تأیید صمیمیت و سادگی یک رویداد. نام فیلم و فیلمبردار هرچند برای ثبت در تاریخ مهم است اما آنچه بیشتر حایز اهمیت است، همان حال و هوای ممتاز سال‌هایی است که نه طلایی بلکه رویایی بودند؛ سال‌های آغاز، سال‌های بی‌آلایشی و صمیمیت.